

موسسه فرهنگی مطالعات
وتحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران

بولتن ویژه

شماره : ۸۴/۱۰۴/۸۱

اسفند ۱۳۸۴

منابع آمریکایی حامی اسرائیل: جمهوری‌خواهان، سفید پوستان جنوب و صهیونیسم مسیحی

این بولتن به بررسی منابع حامی اسرائیل در ایالات متحده پرداخته و تلاش می‌کند تا دید روشنی را در این زمینه در اختیار خوانندگان قرار دهد

تلفن : ۴ـ۲۲۸۶۳۲۸۰
نشانی اینترنت :
www.tisri.org
پست الکترونیکی :
info@tisri.org

منابع آمریکایی حامی اسرائیل:

جمهوری‌خواهان، سفیدپوستان جنوب و صهیونیسم مسیحی

مؤسسهٔ فرهنگی مطالعات و تحقیقات
بین‌المللی ابرار معاصر تهران

۱۳۸۴

Berggen, D. Jason برگرن، جیسن

بولتن ویژه: منابع آمریکایی حامی اسرائیل: جمهوری‌خواهان، سفیدپوستان جنوب و صهیونیسم مسیحی/ جیسن برگرن، مترجم عباس کاردان؛ نظارت و اجرا مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران. – تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۵.

۵۵ص.: جدول و نمودار. – (انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران؛ ۲۱۷. سیاست جهانی؛ ۱۱۳)

ISBN 964-526-024-8: ۲۷۵۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

این بولتن ترجمه‌ای است از "Sources of Pro-Israel America: The Republicans, the South, and Christian Zionism", Political Studies Association, 2004.

واژه‌نامه.

کتابنامه. ص. ۴۶ ـ ۵۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. ایالات متحده – روابط خارجی – اسرائیل. ۲. اسرائیل – روابط خارجی – ایالات متحده. ۳. یهودیان – ایالات متحده – نگرش به اسرائیل. ۴. صهیونیسم – ایالات متحده. الف. کاردان، عباس، ۱۳۵۶ ـ ، مترجم. ب. مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران. ج. عنوان: منابع آمریکایی حامل اسرائیل: جمهوری‌خواهان، سفیدپوستان جنوب و صهیونیسم.

۴ ب ۵ الف/ ۸ / ۱۸۳ E ۳۲۷/۷۳۰۵۶۹۴

۱۳۸۵

کتابخانه ملی ایران ۸۴ ـ ۴۷۵۹۰م



انتشارات مؤسسهٔ فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران

تهران: صندوق پستی ۳۸۴۹ ـ ۱۵۸۷۵، تلفن: ۲۲۸۵۲۲۴۳، نمابر: ۲۲۸۶۳۲۸۰

نشانی اینترنت: www.tisri.org پست الکترونیک: info@tisri.org

این بولتن ترجمه‌ای است از:

"Sources of Pro-Israel America: The Republicans, the South, and Christian Zionism", Political Studies Association, 2004

بولتن ویژه: منابع آمریکایی حامی اسرائیل: جمهوری‌خواهان، سفیدپوستان جنوب و صهیونیسم مسیحی

نظارت و اجرا: مؤسسهٔ فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران ـ معاونت پژوهشی

مترجم: عباس کاردان

صفحه‌آرا: علی‌اکبر حسینیه‌فراهانی

نمونه‌خوان: سمانه ضرابی‌نژاد

چاپ نخست: فروردین ماه ۱۳۸۵

شماره: ۸۴/۱۰۴/۸۱

شابک: ۸ ـ ۲۴ ـ ۵۲۶ ـ ۹۶۴

کدبازیابی در کتابخانه دیجیتالی دید: BB0002006090332071‌1

شمارگان: ۴۰۰ نسخه

قیمت: ۲۷۵۰ تومان

پیش گفتار

چرا ایالات متحده بهترین دوست و متحد اسرائیل در جهان می‌باشد؟ چرا دولت‌های دموکراتیک یا جمهوری‌خواه ایالات متحده به این دوستی متعهد هستند و آن را گسترش می‌دهند؟ چرا در رابطه با مسئله فلسطین - اسرائیل همواره یک حزب در آمریکا وجود دارد؟ چه کسی از طرف فلسطینیان در سیاست آمریکا صحبت می‌کند؟ و بسیاری از پرسش‌های از این دست، مسائلی هستند که دی. جیسون برگرن[1]، استاد دپارتمان علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی فلوریدا، تلاش کرده تا به آنها بپردازد.

نویسنده در مقاله خود به دنبال رد این دیدگاه که یهودیان آمریکا (۲ تا ۳ درصد جمعیت آمریکا) عامل پشت‌پرده اکثر حمایت‌های ایالات متحده از اسرائیل هستند، می‌باشد. به نظر نویسنده این ایده که یهودیان مسئول اتحاد آمریکا با اسرائیل می‌باشند، با واقعیات همخوانی ندارد. جمهوریخواهان بیشتر از دموکرات‌ها و احزاب مستقل حامی اسرائیل هستند ولی اکثر یهودیان دموکرات می‌باشند. رأی‌دهندگان به بوش بیش از رأی‌دهندگان به ال‌گور حامی اسرائیل بودند ولی یهودیان به نسبت ۳ به ۱ روی کار آمدن ال‌گور را ترجیح دادند. قوانین حامی اسرائیل غالباً از سوی جمهوری‌خواهانی ارائه می‌شود که حوزه نمایندگی آنها دارای جمعیت یهودی کمی است و پول کمی از سازمان‌های یهودی دریافت می‌کنند. به اعتقاد این استاد علوم سیاسی، بحث حمایت از اسرائیل در ایالات متحده، چیزی فراتر از یهودیان آمریکایی است و به صهیونیست‌های مسیحی یعنی محافظه‌کاران اوانجلیک و حامیان راست مسیحی و سفیدپوستان جنوب این کشور بازمی‌گردد. دیدگاه نویسنده با آمار و نظرسنجی‌های معتبر همراه بوده و اطلاعات مفیدی را از راست مسیحی و آنچه صهیونیست مسیحی در ایالات متحده خوانده می‌شود، در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

بولتن حاضر، ترجمه مقاله جیسون برگرن است که به اجلاس سالانه انجمن مطالعات سیاسی بریتانیا، آوریل سال ۲۰۰۴، ارائه شده و مطالب آن، دیدگاه مؤسسه تهران را دربر نمی‌گیرد.

بهزاد احمدی لفورکی

مدیریت بولتن‌ها

---

1. D. Jason Berggren

فهرست

مقدمه

بدون شک ایالات متحده کشوری است که بیشترین حمایت را از اسرائیل می‌کند و آمریکایی‌ها، اروپایی‌ها، اعراب و مسلمانان سراسر جهان همگی از این امر آگاهی دارند. هیچ رهبری به اندازه آریل شارون، نخست‌وزیر اسرائیل، از ژانویه سال ۲۰۰۱ که به نخست‌وزیری رسید با رئیس‌جمهور آمریکا ملاقات نکرده است.[۱] به گفته جورج دبلیو. بوش، ایالات متحده «روابط ویژه‌ای» با اسرائیل دارد. به هر حال این روابط تازه نبوده و منحصر به دوره تصدی بوش نمی‌شود، چراکه وی ایجادکننده چنین روابطی با دولت اسرائیل نبوده است. بوش این رابطه را به ارث برده و آن را پرورش داده است.

سال‌های مدیدی است که صاحب‌نظران بر این اعتقادند که مسائل سیاست خارجی نقشی جدی در سیاست انتخاباتی آمریکا یا رفتار رأی‌دهندگان ندارد، چراکه مردم عادی آگاهی چندانی از مسائل سیاست خارجی ندارند.[۲] اکنون باید گفت که اگرچه این مسئله در برخی حوزه‌های سیاست خارجی صحیح است، ولی سیاست خارجی در حال حاضر نقش مهمی در سیاست داخلی آمریکا دارد و کاندیداها دائماً بر دیدگاه‌های سیاست خارجی خود تأکید کرده و اشارات فراوانی به مسائل مهم سیاست خارجی می‌کنند.[۳]

اتحاد یا به قول بعضی «ازدواج» ایالات متحده و اسرائیل بر اصول خاصی نظیر افکار عمومی، فعال ساختن مردم (به ویژه کسانی که به مسئله‌ای خاص علاقه دارند)، حمایت ریاست‌جمهوری و کنگره و ارزش‌ها و منافع مشترک قرار دارد.[۴] از دهه ۴۰ به بعد، جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها قول داده‌اند که احزابشان از اسرائیل حمایت کند. هری ترومن نخستین رهبری در جهان بود که استقلال دولت یهودی را به رسمیت شناخت. آیزنهاور، کندی و جانسون نیز مشارکت استراتژیک معاصر میان دو کشور را بنیان نهادند تا تضمینی باشد برای دسترسی مطمئن ایالات متحده به نفت منطقه و جلوگیری از نفوذ شوروی در آنجا. رونالد ریگان نیز بعدها این روابط را تحکیم بخشید.[5] امروزه، روابط میان این دو کشور عمیق‌تر از هر زمان دیگری است. به نوشته واشنگتن‌پست، سیاست‌های خاورمیانه‌ای هر دو کشور به یک سیاست خارجی تبدیل شده است.[۶]

در دهه‌های گذشته، چه زمانی که جمهوری‌خواهان یا دموکرات‌ها کاخ سفید و کنگره را در اختیار داشتند، اسرائیل بزرگ‌ترین دریافت‌کننده کمک‌های خارجی ایالات متحده بوده است. این کمک‌ها سالانه تقریباً به ۳ میلیارد دلار می‌رسید که طبق براوردهای صورت‌گرفته مجموع آن در ۵۰ سال گذشته ۱۰۰ میلیارد دلار می‌شود.(۷) کنگره ایالات متحده نیز قوانینی را به تصویب رسانده که از تعمیق روابط با اسرائیل حکایت می‌کند، از جمله لایحه‌ای که اورشلیم را به عنوان پایتخت اسرائیل مورد شناسایی قرار داده و خواهان اتخاذ اقدام‌های یک‌جانبه علیه دشمنان اسرائیل شده است که از آن جمله می‌توان به قانون تحریم ایران ـ لیبی اشاره داشت. لازم به ذکر است که این قوانین با حمایت اکثریت هر دو حزب به تصویب رسیده‌اند.

آمریکایی‌ها بارها در پاسخ به نظرسنجی‌ها عنوان کرده‌اند که در نبرد اسرائیلی ـ فلسطینی با اسرائیلی‌ها بیش از فلسطینیان هم‌درد هستند. پس از سقوط شاتل فضایی آمریکایی در تگزاس که طی آن تمام فضانوردان از جمله ایلان رامون،[1] سرهنگ اسرائیلی، کشته شدند، دانیل کرتزر،[2] سفیر ایالات متحده در اسرائیل، عنوان داشت که «آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها در زمین و فضا برادر یکدیگر هستند».(۸)

در جبهه دیپلماتیک، ایالات متحده سال‌ها از حق وتوی خود در شورای امنیت به نفع اسرائیل استفاده کرده است. برای مثال، در اکتبر سال ۲۰۰۳، ایالات متحده قطعنامه‌ای را وتو کرد که بر اساس آن اسرائیل به واسطه ساخت دیوار حائل محکوم می‌شد.(۹) از میان پانزده عضو شورای امنیت، ایالات متحده تنها عضو مخالف این قطعنامه بود. در مقابل متحدان ایالات متحده، فرانسه و اسپانیا از این قطعنامه حمایت کرده و آلمان و بریتانیا نیز رأی ممتنع دادند. یک هفته بعد، مجمع عمومی تقریباً به اتفاق آرا با حمایت تمام متحدان ایالات متحده در اروپا، قطعنامه‌ای غیرالزام‌آور را به تصویب رساند و با محکوم کردن اسرائیل از آن خواست تا ساخت دیوار حائل را متوقف سازد. این قطعنامه با ۱۴۴ رأی موافق و ۴ رأی مخالف به تصویب رسید. چهار کشور مخالف عبارت بودند از ایالات متحده، اسرائیل و دو سرزمین سابق ایالات متحده یعنی مایکرونزی[3] و جزایر مارشال.

مجله نیویورک تایمز رأی مذکور را بیانگر الگویی اساسی دانست: «تصویب این قطعنامه بیانگر الگویی است که طبق آن ایالات متحده از اسرائیل در شورای امنیت حمایت می‌کند و مجمع عمومی با اکثریت آرا، قطعنامه‌هایی غیرالزام‌آور را در انتقاد از اسرائیل به تصویب می‌رساند».(۱۰) در حقیقت، این امر بیانگر الگویی اساسی‌تر است و اینکه در عرصه بین‌الملل، جهان در مقابل اسرائیل و ایالات متحده قرار دارد. این موضوع را همچنین در کنفرانس جهانی سازمان ملل علیه نژادگرایی در دوربان آفریقای جنوبی در سال ۲۰۰۱، یک هفته

1. Ilan Ramon
2. Daniel Kurtzer
3. Micronesia

قبل از یازده سپتامبر نیز می‌توان مشاهده کرد. در این کنفرانس ایالات متحده و اسرائیل تنها کشورهایی بودند که اجلاس مذکور را با ادعای ضداسرائیلی و ضدیهودی بودن ترک کردند.

بدون اغراق می‌توان پرسید، چرا ایالات متحده بهترین دوست اسرائیل در جهان است؟ چرا دولت‌های دموکرات و جمهوری‌خواه به این دوستی پایبند بوده و حتی آن را گسترش می‌دهند؟ چرا به نظر می‌رسد که در رابطه با مسئله اسرائیل ـ فلسطین «یک حزب» در آمریکا وجود دارد؟ چرا در این زمینه، اینکه کدام حزب کاخ سفید یا کنگره را در اختیار دارد، اهمیتی ندارد؟ چرا شمار بسیار اندکی از آمریکایی‌ها و رهبران آمریکایی از فلسطینیان حمایت می‌کنند؟[۱۱] بسیاری از صاحب‌نظران در سراسر جهان این کار را، قدرت و نفوذ یهودیان آمریکا می‌دانند. از دید آنها به دلیل وجود یهودیان، سیاستمداران یهودی، سازمان‌های ذی‌نفوذ یهودی نظیر کمیته آمریکایی روابط عمومی اسرائیل (ایپک)،[1] پول یهودیان و رسانه‌های تحت اداره و مالکیت آنها است که ایالات متحده و رهبران آن حامی اسرائیل می‌باشند.[۱۲]

دیدگاه جهانی در مورد اسرائیل: «تهدیدی برای صلح»

در بسیاری از بخش‌های جهان، ستاره داوود با صلیب شکسته، آریل شارون با آدلف هیتلر و دولت اسرائیل با رایش سوم هم‌معنا و برابر است. اسرائیلی‌ها و سازمان‌های غیردولتی یهودی، اروپایی‌ها را به طور خاص به دلیل این مسئله مورد انتقاد و سرزنش قرار می‌دهند. مقام‌های اسرائیلی دولت‌های اروپایی، اتحادیه اروپا، رسانه‌های بین‌المللی، سیاستمداران اروپایی و معترضان به جنگ عراق را متهم به طرفداری از فلسطینیان، ایجاد محیطی خصمانه برای یهودیان اروپا و اشاعه تصویری منفی از اسرائیل می‌کنند. به همین دلیل، اسرائیل با اعطای هر نقش دیپلماتیک به اتحادیه اروپا در فرایند صلح مخالف است.[۱۳]

شماری از مطبوعات در گزارش‌ها و تفاسیر خود تأیید می‌کند که طی چند سال گذشته، یهودستیزی در سراسر اروپا در سطحی که از جنگ جهانی دوم به بعد مشاهده نشده، احیا شده است.[۱۴] به نوشته یکی از نویسندگان این مطبوعات، «تاکنون از سال ۱۹۳۸ و برنامه نازی‌ها علیه یهودیان آلمان، چنین تعدادی از کنیسه‌ها و مدارس یهودی مورد بی‌احترامی نبوده‌اند».[۱۵] از خیابان‌های پاریس تا زیمبابوه و مالزی هشدارهایی مبنی بر «توطئه بین‌المللی یهودی» شنیده می‌شود. از حامیان این مسئله می‌توان از احزاب راست افراطی کشورهای اروپایی همانند جبهه ملی ژان ماری لوپن[2] در فرانسه، حزب آزادی یورگ هایدر[3] در اطریش،

1. AIPAC
2. Jean-Marie Le Pen
3. Jorg Haider

حزب مردم کریستوف بلوچر[1] در سوئیس و پیم فرتوین[2] در هلند نام برد.(۱۶) عناصری نیز در جوامع عربی و مسلمان اروپا به عنوان منبع اصلی افزایش اقدام‌های ضدیهودی در اروپا معرفی شده‌اند.(۱۷)

یکی از مهم‌ترین مثال‌های احساسات ضدیهودی در اکتبر ۲۰۰۳ در اجلاس سران سازمان کنفرانس اسلامی در مالزی روی داد.(۱۸) ماهاتیر محمد، نخست‌وزیر مالزی، در سخنرانی خود عنوان داشت که یهودیان با تسلط بر قدرتمندترین کشور جهان یعنی ایالات متحده، بر دنیا حکومت می‌کنند. اظهارات ماهاتیر محمد در آن اجلاس مورد تأیید همگان قرار گرفت از جمله متحدان آمریکا نظیر ملک عبدالله، پادشاه اردن، حامد کرزای، رئیس‌جمهور افغانستان، ژنرال پرویز مشرف، رئیس‌جمهور پاکستان، احمد ماهر، وزیر امورخارجه مصر و مگاواتی سوکارنو، رئیس‌جمهور اندونزی. پس از آن کشورهای مختلفی همچون ایالات متحده این اظهارات را محکوم کردند، ولی اتحادیه اروپا ابتدا به رهبری ژاک شیراک، رئیس‌جمهور فرانسه و سپس به رهبری کوستاس سیمیتیس،[3] نخست‌وزیر یونان، از محکومت آن خودداری کردند.(۱۹) نیویورک تایمز واکنش دیرهنگام اروپاییان به اظهارات ماهاتیر محمد را «بی‌تفاوتی توجیه‌ناپذیر» خواند و نشریه تورنتو استار، جان کرتین[4] را به دلیل اکراه وی از محکومیت سخنان ماهاتیر محمد مورد انتقاد شدید قرار داد.(۲۰) این مسئله نشان داد دیدگاه معتقد به حکومت یهودیان بر تنها ابرقدرت جهان هنوز هم در برخی محافل شایع می‌باشد. اگرچه ممکن است برخی از این گزارش‌ها مبالغه‌آمیز جلوه کند ولی نظرسنجی‌های اخیر در اروپا تأییدی بر این مباحث است.

در نظرسنجی صورت‌گرفته از سوی کمیسیون اروپایی در اکتبر ۲۰۰۳، تقریباً ۶۰ درصد اروپاییان از میان ۱۵ کشور، اسرائیل را بزرگ‌ترین تهدید صلح جهانی اعلام کردند. جدول شماره ۱ داده‌هایی را در سطح هر کشور ارائه می‌دهد که طیفی از ۴۸ درصد در ایتالیا تا ۷۴ درصد در هلند دارد. در هشت کشور از ۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا، اسرائیل، در چهار کشور، آمریکا و کره شمالی، در دو کشور، ایران و در یک کشور ایران و افغانستان تهدید شماره یک قلمداد شده‌اند. اسرائیل در عین حال به عنوان دومین تهدید در پنج کشور دیگر اتحادیه اروپا شناخته شد. تنها دو عضو اتحادیه اروپا اسرائیل را اولین یا دومین تهدید برای صلح جهانی ندانسته‌اند: ایتالیا و پرتغال. این داده‌ها دلالت بر «محور شرارت» اروپایی‌ها را دارند: اسرائیل، ایالات متحده و کره شمالی.

اگرچه مقام‌های اتحادیه اروپا نتایج این نظرسنجی را «گمراه‌کننده» عنوان کردند و آن را بیانگر اولویت‌های سیاسی اتحادیه اروپا ندانستند، ولی بدون شک، یافته‌های نظرسنجی مسئله پیچیده‌ای را برای اروپا به وجود آورد و اعتقاد اسرائیلی‌ها نسبت به اروپا ـ اینکه اروپا حامی فلسطین است و نگرش‌های ضدیهودی خود را

---

1. Christoph Blocher
2. Pim Fortuyn
3. Costas Simitis
4. Jean Chretien

تغییر نداده است ـ را مورد تأیید قرار داد.[۲۱] گاردین در تحلیل خود اینچنین می‌نویسد: «نتایج این نظرسنجی تأییدی بر این دیدگاه اسرائیل بود که فاصله میان آنها و اروپاییان همچنان افزایش می‌یابد و ایالات متحده تنها شریک قابل اعتماد آنهاست».[۲۲]

کدام یک از کشورهای زیر به نظر شما تهدیدی علیه صلح جهانی است؟

(افغانستان، چین، اتحادیه اروپا، هند، ایران، عراق، اسرائیل، لیبی، کره شمالی، پاکستان، روسیه، عربستان، سومالی، سوریه و ایالات متحده).

جدول ۱: اسرائیل تهدیدی برای صلح جهانی

(درصدها بیانگر میزان کسانی است که اسرائیل را تهدیدی برای صلح جهانی اعلام داشته‌اند).

اتحادیه اروپا	٪۵۹	*
هلند	٪۴۷	اول
اطریش	٪۶۹	اول ـ به همراه کره شمالی
لوکزامبورگ	٪۶۶	اول
آلمان	٪۶۵	اول به همراه کره شمالی
دانمارک	٪۶۴	اول
بلژیک	٪۶۳	اول
ایرلند	٪۶۲	دوم، پس از کره شمالی
یونان	٪۶۱	دوم، پس از ایالات متحده
بریتانیا	٪۶۰	اول
فنلاند	٪۶۰	دوم، پس از ایالات متحده
اسپانیا	٪۵۶	دوم، پس از ایالات متحده
فرانسه	٪۵۵	اول ـ به همراه ایران
پرتغال	٪۵۵	چهارم
سوئد	٪۵۲	دوم، پس از ایالات متحده
ایتالیا	٪۴۸	پنجم

Source: Eurobarometer, October 8-16, 2003.

آمریکا حامی اسرائیل: چیزی بیش از یهودیان

توماس داین،[1] رئیس سابق ایپک، ائتلاف حامی اسرائیل را شبکه‌ای دو حزبی، چند قومیتی، فرا نسلی و میان مذهبی از «یهودیان و مسیحیان، جوانان و سالخوردگان، سفید و سیاه، لیبرال و محافظه‌کار، دموکرات و جمهوری‌خواه، شهروندان پرتلاش و مسئول» می‌داند که متعهد به «توسعه، تعمیق و افزایش مشارکت میان واشنگتن و اورشلیم هستند».(۲۳) این گفته به نظر درست می‌رسد.

اگر کسی پی منبعی داخلی برای علت حمایت ایالات متحده از اسرائیل می‌گردد، باید به چیزی فراتر از یهودیان آمریکا نگاه کند. این ایده که یهودیان آمریکا (۲ تا ۳ درصد جمعیت آمریکا) مسئول حمایت آمریکا از اسرائیل در دولت و کنگره هستند باید کنار گذاشته شود. یقیناً گروه‌ها، اهداکنندگان مالی، رأی‌دهندگان و اعضای یهودی کنگره همگی مهم هستند و این موضوع را به هیچ وجه نمی‌توان منکر شد. به هر حال این ایده که یهودیان آمریکا به شکل کامل مسئول اتحاد ایالات متحده ـ اسرائیل هستند به چند دلیل با واقعیات همخوانی ندارد.

نخست آنکه، جمهوری‌خواهان بیش از دموکرات‌ها و احزاب مستقل حامی اسرائیل هستند، ولی اکثر یهودیان دموکرات می‌باشند. دوم اینکه، محافظه‌کاران بیش از لیبرال‌ها و میانه‌روها حامی اسرائیل هستند، ولی اکثر یهودیان لیبرال و میانه‌رو هستند. سوم اینکه، جنوبی‌ها بیش از غیرجنوبی‌ها حامی اسرائیل هستند ولی اکثر یهودیان آمریکا در مناطقی به غیر از جنوب آمریکا زندگی می‌کنند. چهارم اینکه، رأی‌دهندگان به بوش بیش از رأی‌دهندگان به ال گور در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۰ حامی اسرائیل بودند ولی یهودیان به نسبت ۳ به ۱ به ال گور رأی دادند. پنجم اینکه، قوانین حمایت از اسرائیل از سوی جمهوری‌خواهانی ارائه می‌شود که در حوزه نمایندگی آنها شمار یهودیان اندک است و به همین نحو پول و کمک‌های کمتری را به نسبت دموکرات‌ها از سازمان‌های یهودی دریافت می‌کنند. در عین حال عنوان می‌شود که بخش مهمی از پاسخ سیاسی به این سؤال که چرا ایالات متحده از اسرائیل حمایت می‌کند به اهداکنندگان مالی، فعالان، رأی‌دهندگان و اعضای غیریهودی کنگره مربوط می‌شود. ایالات متحده در بسیاری از جنبه‌ها به دلیل وجود صهیونیست‌های مسیحی است که حامی اسرائیل می‌باشد، کسانی نظیر محافظه‌کاران مسیحی اوانجلیک، حامیان راست مسیحی و جنوبی‌های سفیدپوست.

به این حقایق نیز توجه داشته باشید. ۱ـ یهودیان آمریکا کمتر از ۳ درصد رأی‌دهندگان آمریکا را تشکیل

---

1. Tomas Dine

می‌دهند، حال آنکه رأی‌دهندگان راست مسیحی بین ۱۲ تا ۱۵ درصد و مسیحیان اوانجلیک در حدود ۳۰ درصد رأی‌دهندگان را تشکیل می‌دهند. ۲ـ اگرچه رأی‌دهندگان یهودی به نسبت ۷۹ به ۱۹ به نفع ال گور رأی دادند، ولی محافظه‌کاران مسیحی به نسبت ۸۰ به ۱۸ به بوش رأی دادند. (بوش در عین حال به دلیل آنکه اعضای راست مسیحی پشت او بودند توانست نامزدی حزب جمهوری‌خواه در انتخابات ریاست‌جمهوری را بر عهده گیرد). ۳ـ طبق نظرسنجی‌های صورت‌گرفته، رأی‌دهندگان حامی اسرائیل در ایالات متحده را دو گروه یهودیان با ۸۵ درصد و محافظه‌کاران مسیحی با ۶۲ درصد تشکیل می‌دهند. در حقیقت، حمایت محافظه‌کاران مسیحی از اسرائیل به ۷۷ درصد در میان مردان محافظه‌کار مسیحی می‌رسد.[۲۴] طبق تحلیلی دیگر، حامیان راست مسیحی با اعتقاد به اینکه اسرائیل وعده خداوند به یهودیان می‌باشد و یهودیان انسان‌های برگزیده خدا هستند از اسرائیل حمایت می‌کنند.[۲۵] ۴ـ با توجه به اعضای سازمانی، ایپک (کمیته آمریکایی روابط عمومی اسرائیل) با ۵۰ هزار عضو چندان هم بزرگ نیست. در مقابل، ائتلاف مسیحی حامی اسرائیل تقریباً دارای ۲ میلیون عضو می‌باشد، در روز انتخابات ده‌ها هزار رأی‌دهنده را هدایت می‌کند و پت رابرتسون،[۱] بنیانگذار آن، صاحب شبکه رادیو تلویزیونی مسیحی می‌باشد که بانفوذترین رسانه مسیحی در ایالات متحده محسوب می‌شود. ۵ ـ اعضای یهودی کنگره (صهیونیست‌های یهودی) که کاملاً از اسرائیل حمایت می‌کنند، تقریباً همگی دموکرات هستند، در حالی که اعضای مسیحی کنگره (صهیونیست‌های مسیحی) که کاملاً از اسرائیل حمایت می‌کنند، تقریباً همگی جمهوری‌خواه می‌باشند. در حقیقت، شمار صهیونیست‌های مسیحی کنگره بیش از تعداد صهیونیست‌های یهودی است؛ ولی در کنار یکدیگر حضور صهیونیستی قدرتمندی را در کنگره و در بخش بزرگی از هر دو حزب تشکیل می‌دهند.[۲۶] دلایل مذکور به این حقیقت اشاره دارند که صهیونیسم پروژه‌ای دو حزبی و یهودی ـ مسیحی است که نمونه آن را در هیچ کجای دنیا نمی‌توان مشاهده کرد. (وجه بارز این پروژه آن بود که نخستین جوایز سازمان مسیحی اسرائیل به تام دیلی،[۲] رهبر اکثریت مجلس نمایندگان و جمهوری‌خواه باپتیست جنوبی از تگزاس و تام لنتوس،[۳] دموکرات یهودی از کالیفرنیا، در آوریل ۲۰۰۳ اعطا شد). این حقیقت که پدیده مذکور در سیاست تنها ابرقدرت جهان وجود دارد آن را به مسئله مهمی تبدیل و برای درک علت حمایت ایالات متحده از اسرائیل ضروری ساخته است. در کل چنین مطالعه‌ای شکاف موجود در ادبیات کنونی را که بُعد غیریهودی مسئله را در حاشیه قرار می‌دهد، پر می‌کند.[۲۷]

1. Pat Robertson
2. Tom Delay
3. Tom Lantos

عامل یهودی

اغلب شنیده می‌شود که ایالات متحده به دلیل لابی‌های قدرتمند یهودی از اسرائیل حمایت می‌کند. ممکن است این مسئله تا حدی درست باشد. نخست اینکه، یهودیان آمریکا به شکل نامتناسب در کنگره نماینده دارند. برای نمونه، اگرچه یهودیان ۲ تا ۳ درصد جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند، ولی ۱۰ درصد نمایندگان کنگره یهودی هستند. به گفته تونی اسمیت،[1] مؤلف کتابی در زمینه نقش گروه‌های قومی در سیاست خارجی آمریکا، در قدرت بودن «مطمئن‌ترین راه برای پیشبرد اهداف و تضمین‌کننده آن است که مسائل مهم در رأس برنامه‌های مجلس قرار گیرد». اگرچه برای داشتن چنین نفوذ و تأثیری نیازی به داشتن نمایندگی مستقیم نیست، اما نمایندگی مستقیم سبب دسترسی مستقیم، وجهه سمبلیک، عینیت و مشروعیت ملی می‌شود.[۲۸]

دوم اینکه، لابی‌های یهودی نظیر ایپک قدرتمند و بانفوذ هستند. برای مثال، چند سال قبل مجله فورچون[2] ایپک را به همراه AARP و AFL-CIO به عنوان «قدرتمندترین لابی‌های کنگره معرفی کرد».[۲۹]

سوم اینکه، آنچه یهودیان را برای فرایند سیاستگذاری مهم می‌سازد رأی منسجم و هماهنگ آنها برای یکی از دو حزب مهم است. پس از آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار، یهودیان وفادارترین رأی‌دهندگان به حزب دموکرات هستند. یهودیان از سال ۱۹۲۰ از نامزدهای دموکرات برای پست ریاست‌جمهوری حمایت می‌کنند و اکثر نمایندگان یهودی در کنگره دموکرات هستند.[۳۰] در سه انتخابات ریاست‌جمهوری گذشته (۲۰۰۰ - ۱۹۹۲) کاندیدای حزب دموکرات تقریباً ۸۰ درصد آرای یهودیان را به خود اختصاص داده بود. بنابراین حتی اگر یهودیان عضو یک حوزه انتخاباتی کوچک هم باشند، رأی آنها می‌تواند در رقابت‌های تنگاتنگ انتخاباتی سرنوشت‌ساز باشد. در نتیجه دموکرات‌ها نمی‌توانند از رأی یهودیان غافل شوند.[۳۱] در عوض، نامزدهای پیروز با انتصاب یهودیان به پست‌های مهم از وفاداری آنان قدردانی می‌کنند. در دو دولت دموکرات سابق (کارتر و کلینتون)، نه یهودی در کابینه عضویت داشتند و دو نفر نیز در دیوان عالی ایالات متحده منصوب شدند. این مسئله به خصوص در دوران ریاست‌جمهوری کلینتون نمود زیادی داشت. کلینتون در دوران تصدی خود پنج یهودی را در کابینه منصوب کرد، ولی میزان حضور یهودیان در پست‌های سیاست خارجی و امنیت ملی بسیار جالب توجه‌تر بود.[۳۲] مشاور امنیت ملی، نماینده تجاری ایالات متحده، ۲۷ سفیر از جمله پست‌هایی در سازمان ملل، اتحادیه اروپا، اسرائیل، فرانسه، مصر و ترکیه و نماینده ایالات متحده در خاورمیانه همگی یهودی بودند (جدول ۲).

---

1. Tony Smith
2. Fortune

جدول ۲: مشاغل یهودیان در دستگاه سیاست خارجی دولت کلینتون

مشاور امنیت ملی

ndy Berger 1997-2001

نماینده تجاری

ckey Kantor	1993-1996
arlene Barshefsky	1996-2001

سفیران

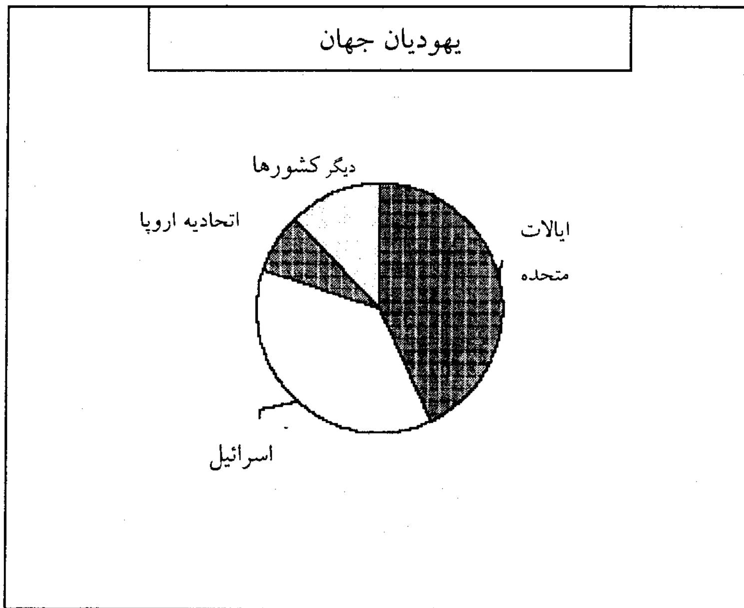
Leslie Alexander	1996-2000	Ecuador
Alan Blinken	1993	Belgium
Donald Blinken,	1994-1997	Hungary
Martin Cheshes,	1993-1996	Djibouti
Eric Edelman	1998-2001	Finland
Stuart Eizenstat	1997-2001	EU
Daniel Fried	1997-2001	Poland
Harold Geisel	1996-1999	Comoros Mauritius, Seychelles
Robert Gelbard	1999-2001	Indonesia
Don Gervirtz	1995-1997	Fiji, Nauru, Tuvalu, Tonga
Marc Ginsburg	1993-1997	Morocco
Steven Green	1997-1998	Singapore
Marc Grossman	1995-1997	Turkey
David Hermelin	1998-2000	Norway
John Hirsch	1995-2001	Sierra Leone
Richard Holbrooke	1999-2001	United Nations
John Holzman	1997-2000	Bangladesh
Martin Indyk	1995-1997, 2000-2001	Israel
Madeleine Kunin	1996-1999	Switzerland
Daniel Kurtzer	1997-2001	Egypt
Larry Lawrence	1994-1996	Switzerland
Melvyn Levitsky	1994-1998	Brazil
Daniel Merrill	1994-1997	Bangladesh
Felix Rohatyn	1997-2000	France
Dennis Ross*	1992-2001	Middle East Envoy
Arthur Schecter	1998-2001	Bahamas
Kenneth Yalowitz	1994-1997	Belarus

* در اصل توسط جورج بوش پدر منصو
شده بود.

Source: Jews in American Politics, ed L. Sandy Maisel and Iran. N. Forman (Lanham. MD: Rowman & Littlefield, 2001).

در نهایت اینکه، عامل جمعیتی نیز بسیار مهم می‌باشد. تقریباً ۱۸ میلیون یهودی در جهان وجود دارد. جالب اینکه شمار یهودیان در آمریکا بیشتر از هر جای دیگر جهان حتی اسرائیل است (شکل ۱). روی‌هم‌رفته، از هر ده یهودی، هشت نفر در ایالات متحده و اسرائیل زندگی می‌کنند. در مقابل، کمتر از ۱۰ درصد از یهودیان در اروپا زندگی می‌کنند. ۱۲ درصد باقیمانده نیز در کشورهای دیگر پراکنده هستند. یک‌سوم یهودیان جهان در نواحی مهم و اصلی تل‌آویو و نیویورک زندگی می‌کنند. بیش از نیمی از کل یهودیان در ۶ شهر بزرگ سکونت دارند (تل‌آویو، نیویورک، حیفا، لس‌آنجلس، بیت‌المقدس و فلوریدای جنوبی). از ۲۰ شهر بزرگ با بیشترین جمعیت یهودی، ده شهر در ایالات متحده و چهار شهر در اسرائیل قرار دارد. با توجه به این واقعیت جای تعجبی وجود ندارد که ایالات متحده و اسرائیل دارای «روابط ویژه‌ای» باشند.

شکل ۱



Source: American Jewish Year Book, 2001.

صهیونیست‌های آمریکایی چه کسانی هستند؟

کاملاً بدیهی است که اکثر یهودیان دموکرات بوده، به دموکرات‌ها رأی می‌دهند و بیشترین حمایت‌ها را از اسرائیل در ایالات متحده به عمل می‌آورند. برای نمونه در انتخابات سال ۲۰۰۰، رأی‌دهندگان یهودی از لحاظ تعداد، پس از آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار دومین گروه رأی‌دهنده به ال گور بودند. در حالی که وارن هاردینگ[1] آخرین نامزد جمهوری‌خواهان در انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۹۲۰ بود که توانست آرای یهودیان را به خود اختصاص دهد. در این رابطه انتخاب جو لیبرمن[2] به عنوان معاون ال گور نمادی از روابط یهودیان با حزب دموکرات و قدردانی این حزب از وفاداری یهودیان بود.

در کنگره در حدود ۴۰ عضو یهودی وجود دارد که از میان آنها فقط سه نفر به نام‌های سناتور ارلن اسپکتر[3] (پنسیلوانیا)، نُرم کلمن[4] (مینسوتا) و اریک کنتر[5] (ویرجینیا) جمهوری‌خواه هستند. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که یهودیان آمریکا بیشترین حمایت را از اسرائیل در ایالات متحده به عمل می‌آورند. با توجه به این

---

1. Warren Harding
2. Joe Liberman
3. Arlen Specter
4. Norm Coleman
5. Eric Cantor

امر باید انتظار داشت که حزب دموکرات بتواند روی حمایت یهودیان حساب کند، بیشترین اعضای یهودی را در کنگره داشته باشد و برای نخستین‌بار یک یهودی را به عنوان معاون نامزد ریاست‌جمهوری برگزینند و در مقابل باید انتظار داشت که چون جمهوری‌خواهان فاقد حمایت یهودیان هستند، حامی اسرائیل نباشند و زمانی که در قدرت هستند از اسرائیل حمایت نکنند.

شواهد کاملاً حکایت از آن دارد که جمهوری‌خواهان، حتی با عدم حمایت یهودیان، بیشتر از دموکرات‌ها حامی اسرائیل هستند. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که بیشترین آمریکایی‌های حامی اسرائیل جمهوری‌خواهان، محافظه‌کاران، سفیدپوستان، رأی‌دهندگان به بوش، ساکنین مناطق روستایی و جنوب آمریکا هستند (جدول ۳).

طبق نظرسنجی‌های مؤسسه گالوپ در سال ۲۰۰۰، ۵۶ درصد رأی‌دهندگان به بوش در رابطه با وضعیت خاورمیانه همدردی خود را با اسرائیلی‌ها اعلام داشتند، در حالی که این نسبت برای رأی‌دهندگان به ال گور ۴۳ درصد بود. ۵۳ درصد از جمهوری‌خواهان با اسرائیل همدرد هستند، در حالی که این نسبت برای دموکرات‌ها ۴۳ درصد و برای احزاب مستقل ۳۰ درصد می‌باشد. در عین حال محافظه‌کاران بیش از میانه‌روها و لیبرال‌ها با اسرائیل هم‌احساس هستند. در حقیقت، آمریکایی‌های لیبرال حداقل همدلی را با اسرائیل دارند. در سال ۲۰۰۰، حتی قبل از یازده سپتامبر، مشخصه کلی یک صهیونیست آمریکایی عبارت بود از طرفدار بوش، جمهوری‌خواه و از لحاظ ایدئولوژیکی محافظه‌کار بودن. در حالی که یهودیان آمریکا غالباً رأی‌دهنده به ال گور، دموکرات و از لحاظ ایدئولوژیکی لیبرال بودند.

پس از یازده سپتامبر، در سال ۲۰۰۲، همدلی جمهوری‌خواهان با اسرائیل به ۶۷ درصد و محافظه‌کاران به ۵۹ درصد رسید. اگرچه همدلی با اسرائیل در میان احزاب مستقل و لیبرال‌ها نیز افزایش یافته بود اما حوادث یازده سپتامبر هیچ تأثیری در افزایش همدلی با اسرائیل در میان دموکرات‌ها نگذاشته بود. در مقابل اگرچه همدلی با فلسطینیان در میان دموکرات‌ها، احزاب مستقل و میانه‌روها نیز افزایش یافت، ولی چنین افزایشی در میان جمهوری‌خواهان، محافظه‌کاران و لیبرال‌ها مشاهده نشد. همچون گذشته، پس از حملات یازده سپتامبر، جمهوری‌خواهان و محافظه‌کاران بیش از دموکرات‌ها، میانه‌روها یا لیبرال‌ها از اسرائیل در ایالات متحده حمایت کردند.

در سال ۲۰۰۳ مؤسسه گالوپ گزارش داد که محبوبیت اسرائیل در بین جمهوری‌خواهان در سال ۲۰۰۳ بیش از سال ۲۰۰۲ بوده است.[۳۳] در سال ۲۰۰۲، ۶۸ درصد جمهوری‌خواهان دید مثبتی نسبت به اسرائیل داشتند. که این رقم در سال ۲۰۰۳ به ۸۰ درصد افزایش یافت. در مقابل، در سال ۲۰۰۲ تنها ۵۶ درصد دموکرات‌ها دید مثبتی نسبت به اسرائیل داشتند که این میزان در سال ۲۰۰۳ تنها ۳ درصد افزایش داشت و به

۵۹ درصد رسید. به علاوه، ۷۳ درصد محافظه‌کاران آمریکا دید مثبتی نسبت به اسرائیل داشتند که این میزان برای میانه‌روها ۶۳ درصد و برای لیبرال‌ها ۵۲ درصد بود. محافظه‌کاران (۴۴ درصد) همچنین در مقایسه با میانه‌روها (۲۰ درصد) یا لیبرال‌ها (۱۷ درصد) مخالفت بیشتری با تحقیقات سازمان ملل در مورد حمله نظامی اسرائیل به جنین در سال ۲۰۰۲ داشتند.[۳۴] به علاوه، جمهوری‌خواهان بیش از دموکرات‌ها معتقد بودند که یاسر عرفات خواهان صلح نیست (۸۴ درصد به ۶۹ درصد) ولی آریل شارون در پی صلح است (۳۷ درصد به ۳۰ درصد) و کمتر از دموکرات‌ها اعلام می‌داشتند که حمایت ایالات متحده از اسرائیل زیاد است (۳۶ درصد به ۵۱ درصد).[۳۵] جمهوری‌خواهان همچنین بیش از دموکرات‌ها با ایجاد یک دولت مستقل فلسطینی مخالفت می‌کردند (۳۸ درصد، ۲۸ درصد).[۳۶]

مذهب نیز یکی دیگر از عوامل مهم است. پروتستان‌های آمریکا بیش از کاتولیک‌ها با اسرائیلی‌ها همدردی دارند (۴۹ درصد به ۴۲ درصد) و در مقابل همدلی کمتری با فلسطینیان دارند (۱۲ درصد به ۱۶ درصد). پروتستان‌ها بیش از کاتولیک‌ها برای این همدردی خود دلیل و توجیه مذهبی می‌آورند؛ در مقابل کاتولیک‌ها دلایل عملی‌تری را ذکر می‌کنند.[۳۷] علت شماره یک برای همدردی با اسرائیل در میان هر دو گروه تروریسم است (۲۰ درصد پروتستان‌ها، ۲۶ درصد کاتولیک‌ها). همان‌طور که عنوان شد پروتستان‌ها بیش از کاتولیک‌ها دلایل مذهبی را عنوان می‌دارند؛ ۱۹ درصد پروتستان‌ها معتقدند که اسرائیل بر مبنای کتاب مقدس حق ادعا بر سرزمین فلسطین را دارد که این نسبت برای کاتولیک‌ها ۱۱ درصد می‌باشد. ۹ درصد پروتستان‌ها هم به دلیل اعتقاد به مسئله اسرائیلی/ یهودی با اسرائیل همدلی می‌کنند که این میزان برای کاتولیک‌ها ۵ درصد است. به هر حال کاتولیک‌های بیشتری عنوان می‌دارند که دلیل حمایت آنها از اسرائیل آزار و اذیت تاریخی یهودیان است (۹ درصد به ۵ درصد). ۵ درصد کاتولیک‌ها علت حمایت خود را به دلیل اتحاد ایالات متحده و اسرائیل می‌دانند که این نسبت برای پروتستان‌ها ۱ درصد است. جالب اینکه تنها یک درصد پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها دلیل حمایت خود از اسرائیل را دموکراتیک بودن دولت آن عنوان داشتند که با کسانی که عنوان داشتند به دلیل مسیحی بودن با اسرائیل همدل هستند، برابری می‌کند.

در پایان داده‌ها نشان می‌دهد که احساسات در حمایت از اسرائیل به واسطه منطقه و نژاد نیز متفاوت است.[۳۸] طبق نظرسنجی مؤسسه گالوپ، اکثریت اهالی جنوب (۵۲ درصد) و اکثر سفیدپوستان (۵۱ درصد) با اسرائیل همدل بوده و از آن حمایت می‌کنند.

جدول ۳: صهیونیست‌های آمریکایی چه کسانی

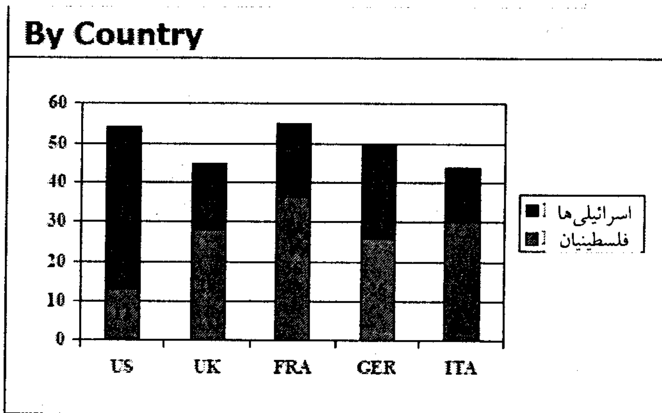
در رابطه با وضعیت خاورمیانه بیشتر با اسرائیلی‌ها همدل هستید یا اعراب فلسطینی؟

گروه	2000* ISR	PAL	ISR ADV	2002^ ISR	PAL	ISR ADV
حزب						
جمهوری‌خواه	53%	9%	+44	67%	8%	+59
دموکرات	43%	11%	+32	45%	21%	+24
نمایندگان مستقل	30%	11%	+19	43%	16%	+27
انتخابات سال ۲۰۰۰						
رأی‌دهندگان به بوش	56%	9%	+47	-----	-----	----
رأی‌دهندگان به ال گور	43%	11%	+32	-----	-----	----
ایدئولوژی						
محافظه‌کاران	51%	8%	+43	59%	10%	+49
میانه‌روها	40%	11%	+29	48%	19%	+29
لیبرال‌ها	29%	17%	+12	41%	19%	+22
نژاد						
سفیدپوستان	-----	-----	----	54%	12%	+44
غیرسفیدپوستان	-----	-----	----	38%	25%	+13
مذهب#						
پروتستان‌ها	-----	-----	----	49%	12%	+37
کاتولیک‌ها	-----	-----	----	42%	16%	+26

Source: Gallup Poll (May 19-21, 2003). N=1,005 adults nationwide. +/- 3%; ^-Gallup Poll (April 5-7, 2002). N=1,009 adults nationwide. +/- 3%, # - Gallup Poll (April 22-24, 2002). N=1,009 adults nationwide. +/-3% *-Gallup Poll (October 13-14, 2000). N=821 adults nationwide. +/- 3%.

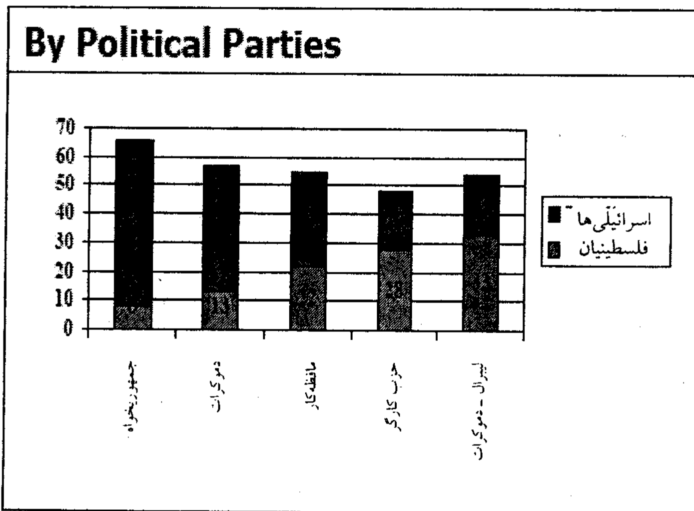
مطالعات نظرسنجی مقایسه‌ای نشان می‌دهد که مسئله اسرائیل - فلسطین در دو سوی آتلانتیک و در میان احزاب گوناگون نیز متفاوت است. شکل ۲ نشان می‌دهد که از میان پنج کشور غربی مورد مقایسه، ایالات متحده بیشترین حمایت و همدلی را با اسرائیل دارد و شکل ۳ بیانگر این است که دو حزب آمریکا نیز بسیار بیشتر از سه حزب مهم بریتانیا حامی اسرائیل هستند.[۳۹] در مقابل، اکثریت نسبی در بریتانیا، فرانسه، آلمان و ایتالیا بیشتر به سمت فلسطینیان گرایش دارند. به هر حال آنچه در اینجا جالب و مدنظر می‌باشد این است که حزب جمهوری‌خواه و پس از آن حزب دموکرات مهم‌ترین احزاب حامی اسرائیل در خارج از این کشور هستند.

شکل ۲: در رابطه با وضعیت خاورمیانه بیشتر طرفدار اسرائیلی‌ها هستید یا فلسطینیان؟



منبع: نتایج این نظرسنجی بر مبنای مصاحبه‌های تلفنی صورت‌گرفته از سوی مؤسسه تحقیقات نظرسنجی پرینستون می‌باشد. در این رابطه با شماری از افراد بالای ۱۸ سال در کشورهای فرانسه، آلمان، ایتالیا، بریتانیا و ایالات متحده مصاحبه شده است.

شکل ۳: در رابطه با وضعیت خاورمیانه، بیشتر طرفدار اسرائیلی‌ها هستید یا فلسطینیان؟



منبع: مؤسسه گالوپ، بر مبنای مصاحبه تلفنی با ۱۰۰۹ بزرگسال بالای ۱۸ سال آمریکایی

صهیونیسم آمریکایی چیزی بیش از یک پدیده یهودی می‌باشد. اگرچه یهودیان آمریکا صهیونیست‌ترین رأی‌دهندگان در ایالات متحده هستند، ولی در قیاس با پراکندگی و گستردگی صهیونیسم آمریکایی به حساب نمی‌آیند. نکته جالب اینکه حزب دموکرات، خانه سیاسی اکثر یهودیان آمریکا، صهیونیست‌ترین سازمان سیاسی در ایالات متحده نمی‌باشد. داده‌ها نشان می‌دهند که صهیونیسم در اصل، یک پدیده جناح راستی و غیریهودی است. به لحاظ تعداد، جمهوری‌خواهان، محافظه‌کاران، رأی‌دهندگان به بوش، پروتستان‌ها، جنوبی‌ها و سفیدپوستان بدنه اصلی صهیونیسم آمریکایی را تشکیل می‌دهند و نه یهودیان.

عراق در سال ۲۰۰۳: یک جنگ یهودی؟

در آستانه جنگ خلیج‌فارس در سال ۱۹۹۱، پت بوچانان،[1] مفسر محافظه‌کاران، عنوان داشت که «تنها دو گروه وجود دارند که بر طبل جنگ در خاورمیانه می‌کوبند: وزارت دفاع اسرائیل و حامیان آن در ایالات متحده». منظور بوچانان از «حامیان» لابی‌های یهودی و به خصوص ایپک بود. همین گفته‌ها بار دیگر در تظاهرات ضدجنگ در سال ۲۰۰۳ از سوی جیم موران،[2] نماینده دموکرات از ویرجیانا، تکرار گردید. موران گفت: «اگر حمایت قوی جامعه یهودی در ورای جنگ با عراق وجود نداشت، هرگز به این جنگ کشیده نمی‌شدیم. رهبران جامعه یهودی به حدی نفوذ دارند که می‌توانند جهت سیاست‌های ما را تغییر دهند».(۴۰)

برخی در جهان اسلام و در جنبش‌های ضدجنگ عنوان می‌دارند که جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ یک جنگ یهودی یا جنگ وکالتی بود که اسرائیل و یهودیان در پشت آن قرار داشتند. به خصوص این ادعا مطرح می‌شد که شخصیت‌های پشت این جنگ همگی یهودی بودند: پل ولفوویتز (معاون وزیر دفاع)، داگلاس فیث (معاون وزیر دفاع در امور سیاسی)، الیوت ابراماس (مدیرکل شورای امنیت ملی در امور خاورمیانه) و ریچارد پرل (رئیس سیاست دفاعی پنتاگون).(۴۱) برخی نیز حتی جنگ عراق را «جنگ ولفوویتز» می‌نامند.(۴۲)

اگر همان‌طور که برخی ادعا می‌کنند جنگ عراق یک جنگ یهودی بود، انتظار می‌رفت که شمار بیشتری از اعضای یهودی کنگره در مقایسه با غیریهودیان از جنگ حمایت کنند و در عین حال درصد بیشتری از دموکرات‌ها نیز به حمایت از جنگ برخیزند، زیرا دموکرات‌ها بیشتر از جمهوری‌خواهان به پول و رأی یهودیان نیاز دارند. به هر حال شواهد دال بر صحت این فرضیه نمی‌باشد. در حقیقت عوامل دیگری در این زمینه خودنمایی می‌کنند.

در ۱۰ اکتبر ۲۰۰۲، درست هفته‌ها قبل از انتخابات میان‌دوره‌ای نوامبر ۲۰۰۲، مجلس نمایندگان آمریکا با اکثریت آرا به جورج بوش اختیار دادند تا از نیروی نظامی علیه عراق استفاده کند. در این رأی‌گیری، ۲۶۹ نفر (۶۹ درصد) رأی موافق و ۱۳۳ نفر (۳۱ درصد) رأی مخالف دادند. روز بعد، مجلس سنا با مخالفتی کمتر (۷۷ درصد موافق و ۲۳ درصد مخالف) قطعنامه حمایت از جنگ را به تصویب رساند.

آرای اعضای یهودی کنگره به چه صورت بود؟ جدول ۴ نشان می‌دهد که اکثریت اعضای یهودی از این قطعنامه حمایت کردند. به هر حال جالب اینکه اعضای یهودی مجلس نمایندگان نسبت به مجلس سنا حمایت بیشتری از قطعنامه مذکور داشتند. از ۲۸ عضو یهودی مجلس نمایندگان، ۲۰ نفر موافق و ۸ نفر

---

1. Pat Buchanan

2. Jim Moran

مخالف قطعنامه بودند. سناتورهای یهودی اما به طور برابر تقسیم شده بودند: ۵ رأی موافق و ۵ رأی مخالف. رویهم‌رفته نسبت حمایت یهودیان از این قطعنامه در کنگره ۲ به ۱ بود. اصل مطلب اینکه حمایت یهودیان در هر دو مجلس سنا و نمایندگان کمتر از سطح کلی اعضای غیریهودی بود.(۴۳)

اگرچه یهودیان از جنگ علیه عراق حمایت کردند ولی هواداری از رئیس‌جمهور در این زمینه اهمیت بیشتری داشت. در این رابطه لوئیس فیشر[1] به درستی می‌گوید که کنگره «تحت فشار شدید هواداران رئیس‌جمهور و محاسبات سیاسی» به این قطعنامه رأی داد.(۴۴) جمهوری‌خواهان کنگره با نسبت‌های ۹۷/۳ درصد در مجلس نمایندگان و ۹۸ درصد در مجلس سنا از رئیس‌جمهورشان حمایت کردند. بنابراین جمهوری‌خواهان به جنگ رأی دادند، حال آنکه تنها ۲ سناتور جمهوری‌خواه و یک نماینده جمهوری‌خواه یهودی بودند.

جدول ۴: آرای یهودیان کنگره در اعطای اختیار به رئیس‌جمهوری برای استفاده از زور علیه عراق

	موافق	مخالف
مجلس نمایندگان		
همه	20 (71.4)	8 (28.6)
دموکرات‌ها	18 (69.2)	8 (30.8)
جمهوری‌خواهان	2 (100)	0 (0)
مجلس سنا		
همه	5 (50.0)	5 (50.0)
دموکرات‌ها	4 (44.4)	5 (55.6)
جمهوری‌خواهان	1 (100)	0 (0)
مجموع	25 (65.8)	13 (34.2)

(اعداد داخل پرانتز به درصد می‌باشد.)

این دودستگی در میان دموکرات‌ها بیشتر بود. اکثریت دموکرات‌های مجلس نمایندگان علیه قطعنامه مذکور رأی دادند (۸۱ موافق و ۱۲۶ مخالف) و اکثریت متوسطی از دموکرات‌های سنا به نفع قطعنامه رأی دادند (۲۹ موافق و ۲۱ مخالف). هر دو نامزد مستقل کنگره (سندرز[2] و جفوردز[3] از ورمونت[4]) نیز رأی مخالف

1. Louis Fisher
2. Sanders
3. Jeffords
4. Vermont

دادند. با توجه به این مسئله، جمهوری‌خواهان کنگره با کمترین اعضای یهودی و حداقل اتکا روی آرا و پول یهودیان بیشتر از دموکرات‌ها و یهودیان کنگره حامی جنگ بودند.

در این رابطه به جای اینکه یهودی بودن مهم‌ترین عامل باشد، عوامل منطقه، نژاد و قومیت شاخص‌های برتری، حداقل برای اعضای دموکرات بودند (جدول ۵). در کل، نمایندگان جنوب آمریکا با ۱۱۰ رأی موافق در برابر ۲۳ رأی مخالف از قطعنامه حمایت کردند، حال آنکه نمایندگان مناطق دیگر با ۱۹۶ رأی موافق در برابر ۱۱۰ رأی مخالف (۶۴ درصد در مقابل ۳۶ درصد) حامی قطعنامه بودند. به همین صورت، سناتورهای جنوب با ۲۱ رأی موافق در مقابل ۱ رأی مخالف قطعنامه را تأیید کردند، حال آنکه این نسبت برای سناتورهای دیگر مناطق ۵۶ رأی موافق در مقابل ۲۲ رأی مخالف بود. در عین حال دموکرات‌های جنوبی بیش از دموکرات‌های دیگر مناطق حامی جنگ بودند. اکثریت دموکرات‌های جنوب با ۳۰ رأی موافق در برابر ۲۱ رأی مخالف از جنگ حمایت کردند، حال آنکه این نسبت برای دموکرات‌های مجلس نمایندگان از مناطق دیگر ۵۱ رأی موافق در برابر ۱۰۵ رأی مخالف بود. به طور مشخص‌تر، نژاد هم عاملی کلیدی در این حمایت محسوب می‌شد. دموکرات‌های جنوبی سفیدپوست به نسبت ۱۷ رأی موافق در برابر ۴ رأی مخالف از اعطای اختیارات به رئیس‌جمهور حمایت کردند، در حالی که همین نسبت برای دموکرات‌های جنوبی غیرسفیدپوست ۱۷ رأی مخالف در برابر ۳ رأی موافق بود. دموکرات‌های غیرجنوبی سفیدپوست با ۷۵ رأی مخالف در برابر ۴۹ رأی موافق و دموکرات‌های غیر جنوبی غیرسفیدپوست با ۳۰ رأی مخالف در برابر ۲ رأی مخالف، عدم حمایت خود را از قطعنامه اعلام داشتند. دموکرات‌های جنوبی سنا نیز با ۸ رأی موافق در برابر ۱ رأی مخالف از جنگ حمایت کردند، در حالی که دموکرات‌های غیرجنوبی با اختلاف اندک ۲۱ در برابر ۲۰ به حمایت از قطعنامه برخاستند.[۴۵] جالب اینکه در انتخابات سال ۲۰۰۲، برخی از دموکرات‌های جنوب نظیر سناتور ماری لندرو[۱] از لوئیزیانا در حوزه‌های نمایندگی خود از بوش حمایت کردند.[۴۶]

1. Mary Landrieu

جدول ۵: آرای اعضای کنگره در زمینه اعطای حق استفاده از زور علیه عراق به لحاظ منطقه، نژاد و قومیت

گروه منطقه‌ای / نژادی	موافق		مخالف		رأی ممتنع
مجلس نمایندگان	N	%	N	%	
جنوبی	100	(81.3)	23	(18.7)	1
غیرجنوبی	196	(64.0)	110	(36.0)	2
جمهوری‌خواهان جنوبی	70	(97.2)	2	(2.8)	0
جمهوری‌خواهان غیرجنوبی	145	(97.3)	4	(2.7)	2
دموکرات‌های جنوبی	30	(58.8)	21	(41.2)	1
دموکرات‌های غیرجنوبی	51	(32.7)	105	(67.3)	0
دموکرات‌های جنوبی سفیدپوست	27	(87.1)	4	(12.9)	0
دموکرات‌های غیرجنوبی سفیدپوست	49	(39.5)	75	(60.5)	0
دموکرات‌های جنوبی غیرسفیدپوست	3	(15.0)	17	(85.0)	1
دموکرات‌های غیرجنوبی غیرسفیدپوست	2	(6.2)	30	(93.8)	0
مجلس سنا					
جنوبی	21	(95.5)	1	(4.5)	0
غیرجنوبی	56	(71.8)	22	(28.2)	0
جمهوری‌خواهان جنوبی	13	(100)	0	(0)	0
جمهوری‌خواهان غیرجنوبی	35	(97.2)	1	(2.8)	0
دموکرات‌های جنوبی	8	(88.9)	1	(11.1)	0
دموکرات‌های غیرجنوبی	21	(51.2)	20	(48.8)	0

* منطقه جنوب شامل شامل ۱۱ ایالت می‌شود.

(اعداد داخل پرانتز بر حسب درصد می‌باشد).

نسبت‌های مربوط به ائتلاف مسیحی[1] نشان می‌دهد که آنها مهم‌تر از یهودیان بوده‌اند. همان‌طور که ذکر شد، اعضای یهودی مجلس نمایندگان با ۷۱ درصد موافق و ۲۹ درصد مخالف یا ۲۰ به ۸ از قطعنامه جنگ علیه عراق حمایت کردند. در حالی که، تقریباً ۹۹ درصد از ۱۶۲ رأی اعضای مجلس نمایندگان با ۱۰۰ درصد حمایت ائتلاف مسیحی، تقریباً ۹۸ درصد از ۴۲ رأی اعضای مجلس نمایندگان با ۶۰ تا ۸۹ درصد حمایت ائتلاف مسیحی و تقریباً ۷۹ درصد از ۳۸ رأی اعضای مجلس نمایندگان با ۴۰ تا ۵۹ درصد حمایت ائتلاف مسیحی به قطعنامه اعطای اختیارات به رئیس‌جمهور برای جنگ رأی مثبت دادند. بر اساس نسبت‌های ائتلاف مسیحی، آنهایی که با اعطای اختیارات لازم به رئیس‌جمهور برای آغاز جنگ مخالفت کردند، اعضای مجلسی

1. CHC

بودند که زیر ۴۰ درصد از حمایت ائتلاف مسیحی برخوردار بودند.

به ویژه آنهایی که کمتر از ۱۰ درصد حمایت ائتلاف مسیحی را پشت خود داشتند با ۷۶ درصد مخالف و ۲۴ درصد موافق علیه این قطعنامه رأی دادند. اگرچه حمایت ائتلاف مسیحی به اندازه نژاد قدرتمند نیست ولی در رأی نمایندگان به قطعنامه مذکور تأثیرگذار بود؛ آنهایی که حمایت بیشتری را داشتند به قطعنامه رأی دادند و آنهایی که حمایت کمتری داشتند با قطعنامه مخالفت کردند.

نتایج مشابهی نیز در مجلس سنا وجود داشت. ۲۹ سناتور با ۱۰۰ درصد حمایت ائتلاف مسیحی همگی از جنگ حمایت کردند. ۹۵ درصد سناتورها (۲۱ در مقابل ۱) با ۶۰ تا ۸۰ درصد حمایت ائتلاف مسیحی در حمایت از قعطنامه جنگ رأی دادند. مخالفت سنا با جنگ با کاهش حمایت ائتلاف مسیحی افزایش می‌یافت. سناتورهایی که از حمایت ائتلاف مسیحی برخوردار نبودند به نسبت ۱۸ در مقابل ۱۳ با جنگ مخالفت کردند. با توجه به این امر، واضح است که شاخص‌های منطقه و حمایت ائتلاف مسیحی شاخص‌های معتبرتری به نسبت لابی یهودی هستند.

جدول ۶: آرای کنگره در مورد اعطای حق استفاده از زور به رئیس‌جمهور علیه عراق بر مبنای حمایت ائتلاف مسیحی

CHC Ratings for 107th Congress	موافق	مخالف	ممتنع	
مجلس نمایندگان				
90-100	160 (98.8)	2 (1.2)	1	163
60-89	41 (97.6)	1 (2.4)	1	43
40-59	30 (78.9)	8 (21.1)	3	41
10-39	34 (60.7)	22 (39.3)	0	56
0-9	31 (23.7)	100 (76.3)	1	132
کل	296 (69.0)	133 (31.0)	6	435
سنا				
100	29 (100)	0 (0)	0	29
60-80	20 (95.2)	1 (4.8)	0	21
20-40	16 (80.0)	4 (20.0)	0	20
0	12 (40.0)	18 (60.0)	0	30
کل	77	23	0	100

(اعداد داخل پرانتز به درصد است به استثنای کسانی که رأی نداده‌اند).

Source: 2002 Christian Coalition Congressional Scorecard, http://www.cc.org/house2002scorecard.cfm

افکار عمومی در زمینه جنگ عراق نیز با الگوهای رأی دادن در کنگره و داده‌های بالا راجع به صهیونیسم مطابق بوده است. جمهوری‌خواهان بیشترین حامیان جنگ علیه عراق بودند؛ ۷۵ درصد از ایده رئیس‌جمهور برای حذف صدام از طریق جنگ حمایت می‌کردند. جمهوری‌خواهان (۶۱ درصد) بیشتر از دموکرات‌ها (۲۶ درصد) خواهان اقدام یک‌جانبه علیه عراق بودند. دموکرات‌ها تمایل داشتند تا فرانسه و آلمان نیز با آمریکا همراهی کنند. جمهوری‌خواهان کمتر از دموکرات‌ها اعتقاد داشتند که اروپاییان در جنگ علیه تروریسم سهمی عادلانه خواهند داشت (۳۷ درصد در مقابل ۶۶ درصد) ولی بیشتر از دموکرات‌ها معتقد بودند که اروپاییان مدیون ایالات متحده هستند (۸۰ درصد در مقابل ۵۷ درصد). جمهوری‌خواهان (۷۴ درصد) همچنین بر این باور بودند که موضوع ایالات متحده منطقی‌تر از موضع اروپاییان است؛ دموکرات‌ها به میزان اندکی بیشتر از جمهوری‌خواهان موضع اروپاییان را می‌پذیرفتند (۴۹ درصد در مقابل ۴۰ درصد).(۴۷)

به لحاظ ایدئولوژیکی، محافظه‌کاران آمریکایی بیش از میانه‌روها و لیبرال‌ها از جنگ حمایت می‌کردند، به طوری که ۶۸ درصد آنها با تغییر رژیم عراق با استفاده از زور موافق بودند، حال آنکه این نسبت برای میانه‌روها ۵۲ درصد و لیبرال‌ها ۳۶ درصد بود (جدول ۷). در اینجا دوباره شاهدیم که مسئله مذکور (حمایت محافظه‌کاران از جنگ) با ایستارهای سیاسی و روابط اکثر یهودیان آمریکا همخوانی ندارد.

به سختی می‌توان گفت که یهودیان آمریکا این جنگ را به راه انداخته‌اند. جمهوری‌خواهان، محافظه‌کاران، جمهوری‌خواهان و دموکرات‌های جنوب و سفیدپوستان مهم‌ترین حامیان جنگ بودند و اختیارات لازم را برای جنگ به بوش دادند و در حقیقت از تصمیم وی برای آغاز جنگ حمایت کردند. به علاوه، حتی نشریه یواس‌ای تودی[1] گزارش داد که اسرائیلی‌ها اصولاً عراق را تهدیدی جدی برای امنیت خود نمی‌دانستند؛ از دید اسرائیلی‌ها، مهم‌ترین تهدید امنیتی علیه آنها عاملان حملات انتحاری (عاملان عملیات‌های استشهادی) بودند.(۴۸)

---

1. USA Today

جدول ۷: جنگ‌طلبان چه کسانی بودند؟
به لحاظ حزب و ایدئولوژی

شما با حمله نیروهای زمینی به عراق و حذف صدام حسین از قدرت موافقید یا مخالف؟

حزب	موافق	مخالف
جمهوری‌خواهان	75%	19%
نمایندگان مستقل	50%	44%
دموکرات‌ها	39%	55%
ایدئولوژی		
محافظه‌کاران	68%	27%
میانه‌روها	52%	41%
لیبرال‌ها	36%	59%

Source: Jeffrey M. Jones, "Blacks, Postgraduates Among Groups Most Likely to Oppose Iraq Invasion," The Gallup Organization (30 January 2003), http://www.gallup.com/poll/releases/pr030130.asp.

صهیونیست‌های مسیحی در حزب جمهوری‌خواه

چرا جمهوری‌خواهان از اسرائیل حمایت می‌کنند؟ در پاسخ باید گفت که این حمایت نمی‌تواند به دلیل یهودیان باشد، زیرا شمار جمهوری‌خواهان یهودی و رأی‌دهندگان یهودی که به جمهوری‌خواهان رأی می‌دهند، زیاد نیست. در حال حاضر تنها ۳ جمهوری‌خواه یهودی در کنگره وجود دارد و در کابینه بوش نیز هیچ یهودی دیده نمی‌شود. به علاوه، بوش به یقین مدیون آرا و پول یهودیان نیست. اگرچه درست است که نامزدهای جمهوری‌خواه با حمایت از اسرائیل پول دریافت می‌کنند، ولی نامزدهای دموکرات پول بسیار بیشتری را از یهودیان به دست می‌آورند. (جدول ۸)

طبق «گزارش واشنگتن در رابطه با مسائل خاورمیانه» از میان ۲۵ دریافت‌کننده حمایت‌های مالی یهودیان در انتخابات سال ۲۰۰۲، ۱۵ نامزد دموکرات و ۱۰ نامزد دیگر جمهوری‌خواه بوده‌اند. به هر حال اگر نگاهی به میزان پول اعطاشده از سوی «کمیته اقدام سیاسی»[1] بیندازیم، متوجه می‌شویم که ۱۵ دموکرات ۷۰ درصد از این مقدار پول را دریافت کرده‌اند. بنابراین اگر گفته شود که دموکرات‌ها از اسرائیل حمایت می‌کنند جای

1. (Political Action Committee): کمیته‌ای متشکل از گروه‌های ذینفوذ برای حمایت مالی از نامزدها

تعجبی نیست، ولی جای تعجب دارد که چرا جمهوری‌خواهان حامی اسرائیل هستند.

جدول ۸: ۲۵ نامزد رده بالای دریافت‌کننده کمک‌های مالی کمیته اقدام سیاسی حامی اسرائیل

1. Tim Johnson-SD	دموکرات	86,165		14. Jay Rockefeller-WV	Dem.	33,750
2. Carl Levin-MI	دموکرات	84,529		15. Tim Hutchinson-AR	Rep.	32,200
3. Max Baucus-MT	دموکرات	84,100		16. Mary Landrieu-LA	Dem.	32,000
4. Richard Durbin-IL	دموکرات	76,000		17. Eric Cantor-VA	Rep.	29,280
5. Max Cleland-GA	دموکرات	69,750		18. Wayne Allard-CO	Rep.	26,300
6. Artur Davis-AL	دموکرات	63,067		19. Jack Reed-RI	Dem.	25,886
7. Mitch McConnell	جمهوری‌خواه	62,000		20. Robert Torricelli-NJ	Dem.	24,400
8. Jean Carnahan-MO	دموکرات	45,500		21. Jeff Sessions-AL	Rep.	24,300
9. Tom Harkin-IA	دموکرات	44,750		22. Richard Gephardt-MO	Dem.	23,415
10. Robert Smith-NH	جمهوری‌خواه	40,430		23. Dennis Hastert-IL	Rep.	22,000
11. Gordon Smith-OR	جمهوری‌خواه	39,839		24. Jeanne Shaheen-NH	Dem.	19,000
12. Shelley Berkley-NV	دموکرات	39,345		25. Ted Stevens-AK	Rep.	18,000
13. Susan Collins-ME	جمهوری‌خواه	35,500				

Source: *The Washington Report on Middle East Affairs* (November 2002), 26-30.

بنابراین اگر رأی یا پول یهودی نیست، پس باید عوامل دیگری را یافت تا توضیحی باشد برای علت حمایت دو حزبی از اسرائیل در ایالات متحده. شاید بتوان گفت که بخش مهمی از حمایت جمهوری‌خواهان به راست مسیحی، مسیحیان اوانجلیک و محافظه‌کاران مسیحی مربوط می‌شود. آنها بخش مهمی از پایگاه حزبی را تشکیل می‌دهند و اساساً در جنوب کشور مستقر هستند؛ مذهبی‌ترین منطقه کشور و کانون باپتیست‌ها (بزرگ‌ترین فرقه پروتستان آمریکا) و منطقه‌ای که به معتبرترین منطقه جمهوری‌خواه در کشور در انتخابات ریاست‌جمهوری و کنگره تبدیل شده است.(۴۹) در حقیقت، در انتخابات سال ۲۰۰۰، نظرسنجی‌ها نشان داد که ۲۰ درصد یا بیشتر از رأی‌دهندگان ۶ ایالت جنوبی، راست مسیحی بوده‌اند: آرکانزاس (۳۰ درصد)، میسی‌سیپی (۲۸ درصد)، تنسی (۲۷ درصد)، کارولینای جنوبی (۲۴ درصد)، آلاباما (۲۳ درصد)، کارولینای شمالی (۲۳ درصد)، لوئیزیانا (۲۲ درصد) و جورجیا (۲۰ درصد).

محافظه‌کاران مسیحی از سال ۱۹۸۰ ستون مهمی در ائتلاف‌های ریاست‌جمهوری جمهوری‌خواهان بوده‌اند و در نهایت نیز از نامزد جمهوری‌خواهان حمایت کرده‌اند. برای مثال در سال ۲۰۰۰ جورج بوش رأی راست مسیحی را در ۱۷ ایالت از ۱۸ ایالت به دست آورد(۵۰) و دیدار وی از دانشگاه باب جونز[1] در کارولینای جنوبی نشان‌دهنده میزان اهمیت این حوزه برای پیروزی او در کسب نامزدی حزب جمهوری‌خواه بود.(۵۱) در مقابل،

1. Bob Jones University

جان مک کین[1] با انتقاد از رابرتسون[2] و فالول، رهبران راست مسیحی، بزرگ‌ترین اشتباه خود را مرتکب شد. بر اساس نظرسنجی‌های صورت‌گرفته، بوش بیشترین سود را از این اشتباه مک کین برد.(۵۲) اگرچه درست است که محافظه‌کاران مسیحی در حزب جمهوری‌خواه در اقلیت هستند، ولی نامزدها نمی‌توانند بدون آنها نامزدی حزب را به دست آورند. قبل از روز رأی‌گیری برای تعیین نامزد ریاست‌جمهوری از حزب جمهوری‌خواه، ائتلاف مسیحی بیش از ۷۰ میلیون توصیه‌نامه را توزیع کرد و بیش از یک میلیون تماس تلفنی را در حمایت از نامزدهای حامی «خانواده» (غالباً از جمهوری‌خواهان) صورت داد. در نتیجه اینکه ۸۰ درصد از محافظه‌کاران مسیحی به بوش رأی دادند.(۵۳)

نفوذ راست مسیحی به انتخابات ریاست‌جمهوری محدود نمی‌شود. محافظه‌کاران مسیحی در عین حال حامیانی نیز در کنگره دارند، از جمله در سلسله مراتب رهبری (جدول ۹). در کنگره صدوهفتم (۲۰۰۲ ـ ۲۰۰۱)، ۱۶۳ نماینده کنگره و ۲۹ سناتور بیش از ۹۰ درصد از حمایت ائتلاف مسیحی برخوردار بودند. رهبران رده بالای کنگره از جمله دنیس هسترت[3] (ایلینویز)، رئیس مجلس نمایندگان، ریچارد ارمی،[4] رهبر حزب اکثریت، تام دیلی،[5] (تگزاس) معاون رهبر حزب اکثریت، ترنت لات[6] (میسی‌سیپی) رهبر اقلیت سنا و دان نیکلس،[7] (اکلاهاما) معاون رهبر اقلیت، همگی ۱۰۰ درصد حمایت ائتلاف مسیحی را با خود داشتند. از میان ۲۰ رئیس کمیته‌های مجلس نمایندگان ۱۷ نفر بیش از ۹۰ درصد از حمایت ائتلاف مسیحی برخوردار بودند. از میان ۲۰ عضو بلندپایه کمیته‌های سنا، ۱۳ نفر از حمایت کامل این ائتلاف برخوردار بودند.

---

1. John Mc Cain
2. Robertson
3. Dennis Hastert
4. Richard Armey
5. Tom Delay
6. Trent Lott
7. Don Nickles

جدول ۹: رهبران جمهوری‌خواه کنگره در صدوهفتم و حمایت ائتلاف مسیحی از آنها

رهبران مجلس نمایندگان	ایالت	میزان حمایت ائتلاف مسیحی
Dennis Hastert	IL	100
Richard Armey	TX	100
Tom DeLay	TX	100
J.C. Watts	OK	100
Roy Blunt	MO	92
Rob Portman	OH	100
Deborah Pryce	OH	58
Chris Cox	CA	100
Tom Davis	VA	75

رهبران مجلس سنا	ایالت	میزان حمایت ائتلاف مسیحی
Trent Lott	MS	100
Don Nickles	OK	100
Rick Santorum	PA	100
Kay Hutchison	TX	100
Larry Craig	ID	100
Bill Frist	TN	100

رؤسای کمیته‌های مجلس نمایندگان	کمیته	ایالت	میزان حمایت CHC
Larry Combest	کشاورزی	TX	100
Bill Young	اعتبارات	FL	92
Bob Stump	نیروهای مسلح	AZ	92
Jim Nussle	بودجه	IA	100
John Boehner	آموزش	OH	100
Billy Tauzin	انرژی و تجارت	LA	100
Michael Oxley	خدمات مالی	OH	100
Dan Burton	اصلاحات دولتی	IN	100
Bob Ney	House Administration	OH	92
Porter Goss	اطلاعات	FL	100
Henry Hyde	روابط بین‌الملل	IL	100
Jim Sensenbrenne	قضایی	WI	100
Jim Hansen	منابع	UT	100
David Dreier	قوانین	CA	92
Sherwood Boehle	علوم	NY	33
Don Manzullo	مشاغل کوچک	IL	92
Joel Hefley	Official Conduct	CO	100
Don Young	حمل‌ونقل و زیرساخت‌ها	AK	100
	امور نظامیان بازنشسته		
Chris Smith	Ways &	NJ	83
Ways & Means	Thomas	CA	75

اعضای بلندپایه کمیته‌های سنا	کمیته	ایالت	میزان حمایت CHC
Larry Craig	سالخوردگان	ID	100
Richard Lugar	کشاورزی	IN	80
Ted Stevens	اعتبارات	AK	80
John Warner	نیروهای مسلح	VA	100
Phil Gramm	بانکداری	TX	100
Pete Domenici	بودجه	NM	80
John McCain	تجارت	AZ	60
Frank Murkowsk	انرژی	AK	100
Bob Smith	محیط زیست	NH	100
Pat Roberts	اخلاقیات	KS	100
Charles Grassley	مالی	IA	100
Jesse Helms	روابط خارجی	NC	100
Fred Thompson	امور دولتی	TN	80
Judd Gregg	بهداشت و آموزش	NH	100
Ben Campbell	امور سرخپوستان	CO	100
Richard Shelby	اطلاعات	AL	100
Orrin Hatch	قضایی	UT	100
Mitch McConnel	قوانین	KY	100
Kit Bond	مشاغل کوچک	MO	80
Arlen Specter	امور نظامیان بازنشسته	PA	40

Sources: 2002 Christian Coalition Scorecard; *The Almanac of American Politics*, 2002

از جمله کسانی که در کنفرانس «جاده‌ای به سوی پیروزی»[1] ائتلاف مسیحی در اکتبر سال ۲۰۰۲ شرکت داشتند می‌توان از این شخصیت‌ها نام برد: ارمی[2] (تگزاس)، دیلی (تگزاس)، رُی بلانت[3] (میسوری) (معاون اکثریت مجلس نمایندگان)، سناتور جیم اینهوف[4] (اکلاهاما)، سناتور سَم برونبک[5] (کانزاس) و سناتور اُرین

1. Road to Victory
2. Armey
3. Roy Blunt
4. Jim Inhofe
5. Sam Brownback

هج[۱] (یوتا)، نمایندگان مجلس لیندسی گراهام[۲] (کارولینای جنوبی)، دیو ولدون[۳] (فلوریدا)، والتز جونز[۴] (کارولینای شمالی)، ارنست ایستوک[۵] (اکلاهاما)، رابرت ادرهولت[۶] (آلاباما)، باب گودلات[۷] (ویرجینیا) و جو ان دیویسی[۸] (ویرجینیا).(۵۴) این نمایندگان و سناتورها نه تنها جمهوری‌خواه بلکه از ایالت‌های جنوبی بودند. در عین حال یکی از مطالعات صورت‌گرفته در سال ۱۹۹۴ نشان داد که محافظه‌کاران مسیحی «نفوذ کاملی» در ۱۸ ایالت دارند و از «نفوذی اساسی» در ۱۳ ایالت دیگر برخوردار می‌باشند.(۵۵) این مطالعه نشان داد که محافظه‌کاران مسیحی در جنوب و ساحل غربی هم تسلط دارند.

شکل ۴ نشان می‌دهد که سازمان‌های یهودی در مقایسه با برخی از سازمان‌های گوناگون راست مسیحی بسیار کوچک، هستند. ائتلاف مسیحی بزرگ‌ترین و مهم‌ترین سازمان راست مسیحی با تقریباً ۲ میلیون عضو است و در میان گروه‌هایی که در شکل آمده سومین جایگاه را به لحاظ بزرگی دارد. به لحاظ هزینه‌های مستقیم لابی‌گری، ائتلاف مسیحی قدرتمندترین لابی اجتماعی محسوب می‌شود که تقریباً ۸ میلیون دلار را در زمان کنگره صدوپنجم هزینه کرده بود.(۵۶) در حقیقت، ائتلاف مسیحی به لحاظ هزینه‌ها جایگاه سیزدهم را دارد، طوری که هزینه‌های آن حتی بالاتر از شرکت‌های AT & T، Ford Motor، General Electeric و Sprint است.(۵۷)

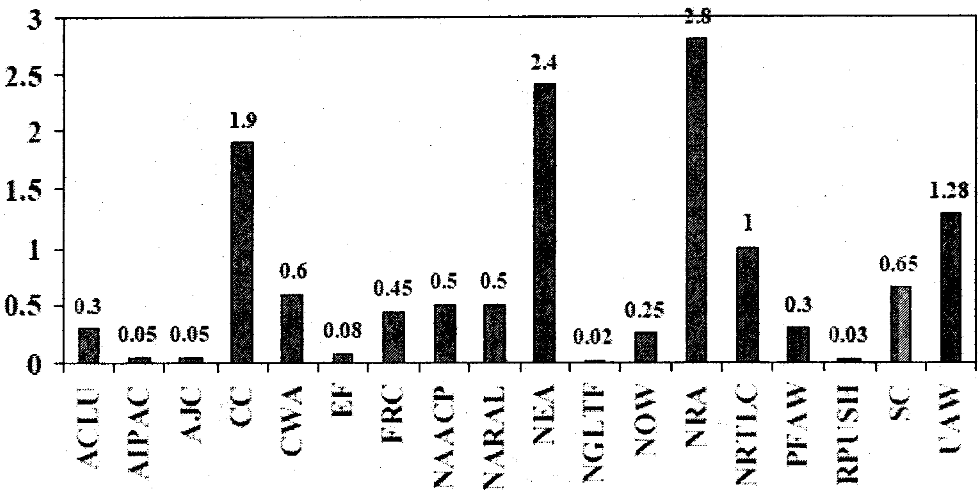
بزرگ‌ترین گروه‌هایی که در شکل ۴ آمده‌اند به ترتیب عبارتند از: انجمن ملی اسلحه، انجمن ملی آموزش، سازمان زنان نگران آمریکا (یکی از سازمان‌های فرعی راست مسیحی که دو برابر همتای لیبرال خود، سازمان ملی زنان، می‌باشد) و شورای تحقیقات خانواده (که سابقاً توسل گری باور[۹] یکی از نامزدهای جمهوری‌خواهان برای ریاست‌جمهوری در سال ۲۰۰۰ اداره می‌شد، تقریباً به بزرگی انجمن ملی پیشرفت مردمان رنگین‌پوست و کلوب سیرا[۱۰] می‌باشد). در این شکل گروه‌های یهودی سنتی و مسلط به لحاظ اندازه کوچک هستند. از میان تمام گروه‌هایی که در این شکل آمده‌اند، ایپک و کمیته آمریکایی یهودی تنها از ائتلاف[۱۱] جسی جکسون و جنبش ملی زنان و مردان همجنس‌باز بزرگ‌تر می‌باشد. همان‌طور که یکی از مفسران به درستی عنوان داشته است: «اگر فقط روی قدرت گروه‌های یهودی متمرکز شوید، اشتباه خواهید کرد. راست مسیحی نفوذ قابل توجهی در شکل دادن به دیدگاه حزب جمهوری‌خواه در قبال اسرائیل دارد».(۵۸)

---

1. Orrin Hatch
2. Lindsey Graham
3. Dave Weldon
4. Walter Jones
5. Ernest Istook
6. Robert Aderhalt
7. Bob Goodlatte
8. Jo Ann Davis
9. Gary Bauer
10. Sierra Club
11. Rainbow / PUSH

به گفته گری باور، حمایت ایالات متحده از اسرائیل صرفاً به دلیل وجود یهودیان آمریکا و لابی‌های یهودی، نظیر ایپک نیست.[۵۹] باور در دسامبر ۱۹۹۹، در نشستی به میزبانی ائتلاف یهودی جمهوری‌خواهان گفت: «حتی اگر یک یهودی هم در آمریکا وجود نداشت، اگر به دلایلی حتی یک یهودی هم به آمریکا نیامده بود، به گونه‌ای که هیچ لابی یهودی وجود نداشت، باز هم طبق اصولی که آمریکا روی آن بنا شده است ما ملزم به حمایت از اسرائیل می‌بودیم. در واقع این حمایت نه به دلیل لابی یهودی، بلکه به دلیل لابی آمریکایی صورت می‌گیرد».[۶۰] حال این سؤال پیش می‌آید که این اصول چه هستند؟ هر کسی که با راست مسیحی آشنایی داشته باشد می‌داند که آنها بر این باورند که آمریکا بر پایه اعتقاد به خدا، کتاب مقدس و مسیحیت پروتستان اوانجلیک بنا شده است. باور معتقد است که نیروی اساسی جهت‌دهنده به سیاست آمریکا در حمایت از اسرائیل چیز دیگری به غیر از ایپک یا یهودیان آمریکا می‌باشد. شاید نیروی جهت‌دهنده به سیاست ایالات متحده، مسیحیان یعنی مسیحیان اوانجلیک باشند.

شکل ۴: مقایسه عضویت سازمانی



ارقام به میلیون می‌باشد

(ACLU) اتحادیه آزادی‌های مدنی امریکا
(AIPAC) کمیته آمریکایی روابط عمومی اسرائیل
(AJC) کمیته آمریکایی یهودی
(CC) ائتلاف مسیحی*
(CWA) زنان نگران آمریکا
(EF) سازمان عقاب*
(FRC) شورای تحقیقات خانواده*
(NAACP) انجمن ملی برای پیشرفت مردمان رنگین‌پوست
(NARAL) اتحادیه ملی حق سقط جنین
(NGLTF) سازمان ملی زنان و مردان همجنس‌باز
(NEA) انجمن ملی آموزش
(NOW) سازمان ملی زنان
(NRA) انجمن ملی اسلحه
(NRTLC) کمیته حق ملی برای زندگی*
(PFAW) مردمانی برای شیوه آمریکایی
ائتلاف Rainbow/Push
(SC) کلوب سیرا
(UAW) کارگران متحد خودروسازی

موارد ستاره‌دار نشانه گروه‌های راست مسیحی است

طبق نظرسنجی صورت گرفته از سوی مؤسسه بین‌المللی زاگبی در دسامبر ۲۰۰۰، راست مسیحی بیشترین حمایت را از اسرائیل دارد.[۶۱] یافته‌های این نظرسنجی نشان می‌دهد که اکثر آمریکایی‌ها (۶۴ درصد) از تشکیل یک دولت فلسطینی حمایت می‌کنند، خواهان موضعی برابر از سوی ایالات متحده در فرایند صلح خاورمیانه می‌باشند (۷۲ درصد) و مخالف انتقال سفارت ایالات متحده از تل‌آویو به بیت‌المقدس هستند. به هر حال، راست مسیحی در مقایسه با دیگر آمریکایی‌ها، دموکرات‌ها، جمهوری‌خواهان، لیبرال‌ها و محافظه‌کاران از تشکیل یک دولت فلسطینی کمترین حمایت را کرده، بیشترین همدلی را با اسرائیل نموده و بیش از همه عنوان داشته که دولت اسرائیل از زور کافی علیه فلسطینیان استفاده نکرده است. بنابراین راست مسیحی کمتر از همه می‌گوید که دولت اسرائیل از زور بر علیه فلسطینیان استفاده می‌کند. جالب اینکه یافته‌های نظرسنجی مذکور نشان می‌دهد که دیدگاه‌های راست مسیحی در مورد سطح بکارگیری زور از سوی دولت سرائیل با دیدگاه اسرائیلی‌ها در این زمینه یکی است (البته نه با همان شدت). در نظرسنجی صورت‌گرفته از سوی دانشگاه تل‌آویو کمی پس از یازده سپتامبر، ۶۴ درصد اسرائیلی‌ها گفتند که دولت شارون از شدت عمل لازم علیه فلسطینیان استفاده نمی‌کند. ۲۰ درصد گفتند که اقدام‌ها دولت از شدت عمل لازم برخوردار است و ۹ درصد نیز معتقد بودند که استفاده دولت از زور بیش از حد لازم می‌باشد.[۶۲] در زمینه جنگ با عراق نیز اکثر حامیان موضع جنگ‌طلبانه بوش اعضای راست مسیحی، مسیحیان اوانجلیک و آنهایی بودند که عنوان می‌داشتند مذهب در زندگی‌شان از اهمیت بسیاری برخوردار است (جدول ۱۰). در حقیقت، جوامع مذهبی یهودی حامی برنامه‌های جنگی چهل‌ویکمین و چهل‌وسومین رئیس‌جمهور یهودی نبودند. رهبران مذهبی یهودی در این مورد با دودستگی مواجه شده بودند. نیروهای مذهبی حامی برنامه‌های جنگی بوش از باپتیست‌های جنوبی (تشکیلات آنها در نشویل[1] تنسی)، کشیشان پنتکاستال،[2] اوانجلیک‌های جنوبی و اوانجلیک‌های تلویزیونی نظیر پت رابرتسون (ویرجیانا)، جری فالول[3] (ویرجیانا)، فرایفکن گراهام[4] (کارولینای شمالی) و دی. جیمز کندی[5] (فلوریدا) تشکیل می‌شدند.[۶۳]

---

1. Nashville
2. Pentecostal Ministers
3. Jerry Falwell
4. Franklin Groham
5. D. James Kennedy

جدول ۱۰: جنگ‌طلبان چه کسانی بودند؟

(به لحاظ مذهب)

شما با حمله نیروهای زمینی آمریکا به عراق برای حذف صدام حسین از قدرت موافقید یا مخالف؟

از نظر مذهبی	موافق	مخالف
راست مسیحی	70%	26%
مسیحیان اوانجلیک	64%	32%
کسانی که هر هفته به کلیسا می‌روند	62%	33%
کسانی که مذهب در زندگی‌شان اهمیت بسیاری دارد	60%	36%
راست غیرمسیحی	56%	41%
مسیحیان غیر اوانجلیک	56%	41%
کسانی که هرگز به کلیسا نمی‌روند	55%	41%
کسانی که مذهب در زندگی‌شان مهم نیست	49%	49%

Source: a-Frank Newport, "Support for War Modestly Higher Among More Religious Americans: Those who identify with the religious right most likely to favor military action," The Gallup Organization (27 February 2003), http://www.gallup.com/poll/releases/pr030227.asp.

جالب اینکه در رابطه با مسئله عراق، موضع ضدجنگ واتیکان، کلیسای یونایتد متدیست،[1] کلیسای پرسبیترین آمریکا،[2] کلیساهای باپتیست آمریکا و دیگر فرقه‌های مسیحی به دیدگاه آمریکایی‌های غیرمذهبی نزدیک‌تر بود تا به آمریکایی‌های مذهبی. به کلام دیگر، این کلیساها بیشتر نماینده کسانی هستند که در خانه می‌مانند و نه کسانی که به کلیسا می‌روند. جدول ۱۱ نشان می‌دهد که یک ماه قبل از آغاز جنگ عراق، جورج بوش بیشترین تأیید شغلی را از سوی مسیحیان اوانجلیک، پروتستان‌های سفیدپوست و کسانی که هر هفته به کلیسا می‌روند، داشته است. جدول ۱۲ نشان‌دهنده رأی‌دهندگانی است که در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۴ مجدداً به بوش رأی دادند (در مقایسه با کل کشور که ۴۹ درصد از بوش حمایت کردند، گروه‌های مذکور در این جدول حمایتی ۶۰ درصدی از وی داشتند).

1. The United Methodist Church

2. Presbyterian Church

بدین ترتیب مشاهده می‌شود که بوش مورد حمایت جمهوری‌خواهان، محافظه‌کاران، مردان و زنان سفیدپوست طبقه متوسط، مردان سفیدپوست ۱۸ تا ۶۴ سال، جنوبی‌های سفیدپوست و سفیدپوستان مذهبی (کسانی که هر هفته به کلیسا می‌روند) می‌باشد و نه لابی یهود.

جدول ۱۱: چه کسی بوش را دوست دارد؟

تأیید شغلی جورج بوش (فوریه ۲۰۰۳)

پروتستان‌های دوآتشه	75%
بقیه	52%
پروتستان‌های سفیدپوست	69%
بقیه	50%
کسانی که هر هفته به کلیسا می‌روند	64%
بقیه	53%

Source: Frank Newport and Joseph Carroll, "Support for Bush Significantly Higher Among More Religious Americans," The Gallup Organization (6 March 2003), http://www.gallup.com/poll/releases/pr030306.asp.

جدول ۱۲: سطح حمایت از انتخاب مجدد بوش در مقابل نامزد دموکرات‌ها

جمهوری‌خواهان محافظه‌کار سفیدپوست	95%
جمهوری‌خواهان مرد سفیدپوست	93%
جمهوری‌خواهان جنوب	92%
جمهوری‌خواهان غرب میانه	91%
تمام جمهوری‌خواهان سفیدپوست	91%
جمهوری‌خواهان زن سفیدپوست	89%
تمام جمهوری‌خواهان	89%
جمهوری‌خواهان غرب	85%
جمهوری‌خواهان شرق	84%
جمهوری‌خواهان میانه‌رو / لیبرال سفیدپوست	83%
محافظه‌کاران مرد سفیدپوست	81%
تمام محافظه‌کاران سفیدپوست	76%
مردان سفیدپوستی که هر هفته به کلیسا می‌روند	71%
محافظه‌کاران زن سفیدپوست	70%
تمام محافظه‌کاران	68%
تمام سفیدپوستانی که هر هفته به کلیسا می‌روند	67%
مردان سفیدپوست فارغ‌التحصیل دانشگاه	67%
مردان سفیدپوست طبقه متوسط	66%
جنوبی‌های مرد سفیدپوست	66%
تمام جنوبی‌های سفیدپوست	65%
مردان سفیدپوست ۱۸ تا ۲۹ ساله	65%
مردان سفیدپوستی که هر ماه به کلیسا می‌روند	64%
زنان سفیدپوستی که هر ماه به کلیسا می‌روند	64%
سفیدپوستان طبقه متوسط	64%
جنوبی‌های زن سفیدپوست	63%
مردان سفیدپوست دیپلمه	63%
زنان سفیدپوست طبقه متوسط رو به پایین	63%
مردان سفیدپوست ۵۰ تا ۶۴ ساله	62%
مردان سفیدپوست ۳۰ تا ۴۹ ساله	61%
مردان سفیدپوستی که مدتی در دانشگاه تحصیل کرده‌اند	60%
تمام مردان سفیدپوست	60%
تمام سفیدپوستان ۱۸ تا ۲۹ ساله	60%
زنان سفیدپوست طبقه متوسط	60%

* طبقه متوسط (درآمد سالانه ۵۰ تا ۷۴ هزار دلار)، طبقه متوسط رو به پایین (۳۰ تا ۴۹ هزار دلار)

Source: Frank Newport and Joseph Carroll, "The Demographics of the 2004 Vote," The Gallup Organization (5 August 2003), http://www.gallup.com/poll/tb/goverPubli/20030805b.asp.

چرا راست مسیحی از اسرائیل حمایت می‌کند؟

این دعا که سیاست‌های حمایت از «اسرائیل و صهیونیسم راست مسیحی در نقش اسرائیل به عنوان مهم‌ترین متحد ایالات متحده در خاورمیانه نشأت می‌گیرد»، درست و صحیح است.(۶۴) ولی علت این حمایت چیزی بیش از موضوع مذکور است: راست مسیحی اساساً به اسرائیل از پشت عینک مذهبی و کتاب مقدس نگاه می‌کند.(۶۵) موضع سیاسی آن در رابطه با اسرائیل بیشتر برگرفته از مذهب است تا یک استراتژی ژئوپلیتیک یا نظریه صلح دموکراتیک.(۶۶) همان‌طور که یکی از صاحب‌نظران می‌گوید «آنها در مشورت با کتاب مقدس تردید به خود راه نمی‌دهند».(۶۷) در حقیقت می‌توان گفت که کتاب مقدس برای راست مسیحی همان مجله سیاست خارجی یا روابط خارجی برای سیاستمداران می‌باشد.

اسرائیل برای راست مسیحی حالتی ویژه و خاص دارد، زیرا رهبران و فعالان راست مسیحی معتقدند که اسرائیل و یهودیان نزد خداوند جایگاه خاصی دارند. در گفتمان راست مسیحی، اسرائیل به عنوان «نور چشمی خداوند» خوانده می‌شود. این حامیان مسیحی اسرائیل غالباً خود را «صهیونیست‌های مسیحی» می‌نامند. به علاوه، اکثراً گفته می‌شود که پس از یهودیان آمریکا، راست مسیحی و پروتستان‌های اوانجلیک سفیدپوست بیشترین حمایت را از اسرائیل داشته‌اند و این «صهیونیست‌های مسیحی» به شهرت خود در این زمینه افتخار می‌کنند.(۶۸) جری فالول یکی از سازمان‌دهندگان اصلی جنبش مدرن راست مسیحی در کتاب خود تحت عنوان «آمریکا گوش کن»[1] می‌نویسد که «مسیحیان معتقد به کتاب مقدس در آمریکا بهترین دوستان کشور اسرائیل هستند. ما باید اینچنین باقی بمانیم».(۶۹) وی زمانی که «ائتلاف اکثریت اخلاقی»[2] را در سال ۱۹۷۹ بنیان نهاد، عنوان کرد: «ما از دولت اسرائیل و مردمان یهودی در هر کجا حمایت می‌کنیم... حمایت از اسرائیل یکی از تعهدات اساسی ائتلاف اکثریت اخلاقی است».(۷۰)

پت رابرتسون، از نامزدهای جمهوری‌خواهان برای انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۹۸۸ و بنیانگذار و رئیس ائتلاف مسیحی، درست پیش از جشن‌های «۵۰ سالگی تأسیس اسرائیل» در سال ۱۹۹۸ اظهار داشت: «حدس می‌زنم که مسیحیان اوانجلیک بهترین دوستانی هستند که دولت اسرائیل روی کره خاکی دارد... ما برای یکپارچگی اسرائیل حتی از یهودیان آمریکا قوی‌تر و ثابت‌قدم‌تر هستیم».(۷۱)

رهبران راست مسیحی همچون فالول و رابرتسون فراتر از این رفته و می‌گویند که ایالات متحده هیچ راهی ندارد جز اینکه حامی اسرائیل باشد، زیرا اگر ایالات متحده از حمایت خود بکاهد، آنگاه خداوند به

1. Listen America!

2. Moral Mauority Coalition

شدت آمریکایی‌ها را مجازات خواهد کرد. فالول گفته است: «من شخصاً معتقدم که خداوند در قضاوت خود نسبت به کشورها، نگاه می‌کند به چگونگی رفتار و روابط آنها با اسرائیل... بنابراین فکر می‌کنم که آمریکا باید بدون هیچ تردیدی از اسرائیل حمایت مالی و نظامی بنماید. حمایت سیاسی من از اسرائیل بدون قید و شرط است».[(۷۲)] دلیل مذهبی بخش ۱۲:۳ از کتاب مقدس است که می‌گوید: «هر که به تو خوبی کند من نیز به او خوبی می‌کنم و هر که به تو بدی کند مورد لعن و نفرین من خواهد بود...». فالول کاملاً معتقد است که مطمئن‌ترین ضمانت برای آزادی، رفاه، سعادت و امنیت ملی آمریکا، داشتن یک سیاست خارجی در حمایت از اسرائیل می‌باشد. وی می‌گوید: «هر کشوری که در کنار یهودیان باشد دست رحمت خدا بر خود را احساس کرده است. من عمیقاً معتقدم که خداوند بدان دلیل آمریکا را رحمت کرده که در کنار یهودیان بوده است».[(۷۳)] غالباً این‌گونه به نظر می‌رسد که از دید راست مسیحی، دولت اسرائیل نمی‌تواند کار اشتباهی کند، چون برگزیده خداوند است. راست مسیحی در کل اعتقاد دارد که سیاست ایالات متحده در قبال اسرائیل باید بدون قید و شرط باشد.

فالول در بیان این اظهارات تنها نیست. به گفته ویلیام مارتین،[1] «در واقع تمام بخش‌های راست مسیحی معاصر حامیان سرسخت اسرائیل هستند» زیرا بر مبنای اعتقادات مذهبی‌شان، اسرائیل کشور خداست: «هر کسی در مقابل اسرائیل بایستد، در مقابل خداوند ایستاده است».[(۷۴)] این اعتقاد دارای پیامدهای سیاسی است. همان‌طور که مایکل لینش[2] می‌گوید: «زمانی که به تدوین سیاست خارجی [در رابطه با خاورمیانه] می‌رسیم، آنهایی که در راست مسیحی جدید هستند، حمایت آمریکا از اسرائیل را الزام و ضرورتی مطلق می‌دانند».[(۷۵)]

بسیاری از رهبران راست مسیحی اعتقاد دارند که تأسیس دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ و کنترل اسرائیل بر کل اورشلیم (بیت‌المقدس) تأییدی است بر پیش‌بینی کتاب مقدس و نشانه‌هایی مبنی بر اینکه ظهور مجدد مسیح نزدیک است. پت رابرتسون می‌نویسد: «همگرایی مجدد یهودیان در اسرائیل نشانه آشکاری در عهد عتیق و جدید می‌باشد که عصر کنونی ما شاهد آن است». مسیح می‌گوید «اورشلیم توسط غیر یهودیان لگدمال خواهد شد تا وقتی که زمان سلطه غیر یهودیان پایان یابد». در ۶ ژوئن سال ۱۹۶۷، یهودیان کنترل تمام شهر اورشلیم را به دست آوردند که می‌تواند طبق اعتقاد راست مسیحی نشانه‌ای باشد از نزدیک شدن پایان قدرت غیریهودیان.[(۷۶)]

رهبران راست مسیحی عمیقاً اعتقاد دارند که منبع قدرت نظامی اسرائیل کمک‌های ایالات متحده نیست،

---

1. William Martin

2. Michael Lienesch

بلکه دست خداوند می‌باشد. فالول ادعا می‌کند که «خداوند در تأسیس دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ و تصرف بیت‌المقدس شرقی در جنگ شش روزه سال ۱۹۶۷ دخالت داشته است و به هیچ وجه کشوری به کوچکی اسرائیل نمی‌توانست بدون کمک خداوند در جنگ شش روزه در مقابل اعراب ایستادگی کند».(۷۷)

صهیونیسم مسیحی آمریکایی پدیده تازه‌ای نیست

برخی از رسانه‌ها به این حقیقت توجه دارند که سیاست ایالات متحده در قبال اسرائیل فقط تحت تأثیر قدرت یهودیان نبوده، بلکه از قدرت مسیحیان در شکل‌گیری آن اهمیت بیشتری دارد. بسیاری بر این نظرند که صهیونیسم مسیحی پدیده تازه‌ای است.(۷۸) اما واقعیت این است که سابقه پدیده «صهیونیسم» حداقل به چهار قرن قبل یعنی قرن ۱۷ در انگلستان برمی‌گردد.(۷۹)

یکی از چهره‌های برجسته صهیونیست مسیحی در ایالات متحده ویلیام ای. بلکستون[۱] (متدیست و اوانجلیک) بود(۸۰) که در اواخر قرن نوزدهم زندگی می‌کرد. اگرچه نام او در ایالات متحده چندان شناخته‌شده نیست، ولی تلاش‌های وی مورد توجه و اذعان اسرائیلی‌ها است. موزه هرتزل انجیلی را به نمایش گزارده که بلکستون آن را به هرتزل داده است و یکی از جنگل‌های اسرائیل به نام او می‌باشد.(۸۱) لوئیس برندیس،[۲] اولین یهودی آمریکایی در دیوان عالی ایالات متحده و از رهبران اولیه صهیونیسم، نیز کمک‌های فراوان بلکستون و نقش بی‌نظیر او را در مسئله صهیونیسم یادآور شده است. در حقیقت، برندیس با اذعان به اینکه تلاش‌های بلکستون قبل از هرتزل صورت گرفته است، او را «پدر صهیونیسم» می‌خواند و نه هرتزل را.(۸۲)

بلکستون در مارس ۱۸۹۱ به بنجامین هریسون،[۳] رئیس‌جمهور آمریکا و جیمز بلین،[۴] وزیر امورخارجه، پیشنهادی را ارائه کرد. در این پیشنهاد که از آن به عنوان «یادداشت بلکستون» یاد می‌شود، از قدرت‌های بزرگ خواسته شد تا در کنفرانسی بین‌المللی «شرایط اسرائیلی‌ها و ادعای آنها بر فلسطین به عنوان وطن اجدادی» را مورد توجه قرار دهند.

در این سند پرسیده شده که «چرا فلسطین را دوباره به آنها [یهودیان] ندهیم؟» منطق بلکستون آن بود که برخلاف تصور جهانیان، همان‌طور که خداوند حکم کرده فلسطین متعلق به یهودیان است. «طبق توزیع کشورها از سوی خداوند، فلسطین وطن آنهاست، یک دارایی سلب‌نشدنی که در قرن دوم توسط رم به زور از آنها غصب شد». لازم به ذکر است که در زمان ارائه این پیشنهاد هنوز کتاب «دولت یهودی» هرتزل به چاپ

---

1. William E. Blackstone
2. Louis Brandeis
3. Benjamin Harrison
4. James Blaine

نرسیده بود (این کتاب در سال ۱۹۸۶ به چاپ رسید) و نخستین کنگره جهانی یهودیان در سال ۱۸۹۷ در شهر باسل سوئد نیز هنوز برگزار نشده بود.(۸۳)

پیشنهاد بلکستون از طرف بیش از ۴۰۰ نفر امضا شد، از جمله صاحبان صنایع بزرگ (مورگان، مک کُرمیک،[1] راکفلر، فیلیپ آرمر و چارلز اسکریبنر و سایرس فیلد)، سیاستمداران (ملویل فولر، رئیس دیوان عالی، توماس رید رئیس مجلس نمایندگان، رئیس کمیته روابط خارجی مجلس، فرماندار ماساچوست، شهردار شیکاگو، نیویورک، بوستون، فیلادلفیا و بالتیمور و ویلیام مک کینلی رئیس‌جمهور بعدی آمریکا) و خبرنگاران و روحانیون مذهبی (دوایت ال. مودی، لایمن ابوت، جوسیا استرانگ، فیلیپ شف، چارلز پارکهرست و جیمز گیبونز). فهرست حامیان این یادداشت بازتابی بود از تأثیر مسیحیت اوانجلیک بر فرهنگ آمریکا. به گفته یکی از صاحب‌نظران تاریخ مذهبی آمریکا، آمریکای قرن نوزدهم، «داستان مسیحیت اوانجلیک آمریکایی» بود.(۸۴) در چنین وضعیتی، «صهیونیسم مسیحی» در آمریکا بنیان گذاشته شد و اساسی شد برای تلاش‌ها و پروژه‌های صهیونیسم مسیحی در آینده.

چند دهه قبل از تشکیل دولت یهودی در فلسطین، یکی از سیاستمداران برجسته آمریکایی، صهیونیسم مسیحی را متداول و رایج ساخت. ویدرو ویلسون، رئیس‌جمهور آمریکا احتمالاً برجسته‌ترین صهیونیست مسیحی پس از بلکستون است. ویلسون به واسطه لابی‌گری صهیونیست‌های یهودی همچون لوئیس برندیس و خاخام استفن وایز و بلکستون قول داد تا پیگیر تلاشی بین‌المللی در جهت ایجاد یک دولت یهودی شود. این‌گونه گفته می‌شود که تعهد ویلسون که نشأت‌گرفته از اعتقاد پرسبیترین[2] او بود، نقش حیاتی در صدور اعلامیه بالفور از سوی دولت بریتانیا در سال ۱۹۱۷ داشت.(۸۵)

نمونه دیگر صهیونیسم مسیحی را در تأسیس کمیته فلسطین مسیحیان آمریکا در سال ۱۹۳۱ می‌توان مشاهده کرد. در میان اعضای این سازمان چارلز کریتس، معاون رئیس‌جمهور، سناتور ویلیام کینگ (یوتا)، سناتور باب لافولت (ویسکانسین)، سناتور چارلز مک ناری (اُرگُن)، سناتورها رابرت واگنر و رویال کاپلند (نیویورک)، هنری رینی رهبر اکثریت مجلس نمایندگان، نمایندگان همیلتون فیش و جان تیلسون، هارلان استون قاضی دیوان عالی، فلیکس فرانکفورتر قاضی آتی دیوان عالی، آرتور هاید، وزیر کشاورزی و ری ویلبر، وزیر کشور، حضور داشتند.(۸۶) هدف کمیته «خدمت به عنوان مجرایی برای بیان همدلی و حسن نیت آمریکای مسیحی برای جنبشی که در پی ایجاد مجدد وطن ملی یهودیان در فلسطین می‌باشد» اعلام گردید.(۸۷)

---

1. Mc Cormick
2. Presbyterian

به هر حال این گروه اقدام زیادی انجام نداد، زیرا سازمانی بود از صهیونیستهای جمهوری‌خواه حال آنکه آمریکا در آستانه اتحاد دموکرات‌ها قرار داشت.

«صهیونیسم مسیحی» درست نقطه مقابل مسیحیت تاریخی اروپا می‌باشد. در ۲ هزار سال تاریخ کلیسا، مسیحیان اروپا، خواه کاتولیک، ارتدوکس یا پروتستان همگی ضدیهودی بوده‌اند و مسیحیت با یهودستیزی هم‌معنا بوده است.[(۸۸)] از زمان پدران روحانی جاستین ماریتر، ترتولیان و سنت اگوستین تا جنگ‌های صلیبی و مارتین لوتر اصلاح‌طلب، مسیحیان همواره اعتقاد داشتند که تمام یهودیان متهم به قتل مسیح بوده و مستحق خشم خداوند می‌باشند. بر همین مبنا یهودیان جایگاه خود به عنوان «مردمان برگزیده» و حق الهی داشتن سرزمین را از دست دادند. اینها نشانه‌هایی هستند از اینکه خداوند یهودیان را به حال خود رها کرده است. بنابراین، کلیسا به ابزار خداوند برای رستگاری جهان و مسیحیان به «مردمان برگزیده خداوند» تبدیل شدند و یهودیان نیز محکوم به عذاب کشیدن، آوارگی و خدمت به مسیحیان گردیدند. این دیدگاه به عنوان منطق جایگزینی یا سرکوب شناخته می‌شود. اکثر کلیساها با اعتقاد به این دیدگاه نقش روز رستگاری و بازگشت مسیح را به حداقل رسانده‌اند. کلیسا در جایگاه خود و در ستایش دیدگاه جایگزینی، تمایل دارد تا خود را به عنوان «پادشاه خداوند بر زمین» دیده و «اورشلیم جدید» و «اسرائیل جدید» را مطرح سازد.

اگرچه این اتهامات به طور رسمی در دومین شورای واتیکان (۱۹۶۵ ـ ۱۹۶۲) رد شد و اکثر کلیساها دیدگاه جایگزینی را منکر شدند ولی باید گفت که مسیحیان خارج ایالات متحده غالباً ضدصهیونیست هستند.[(۸۹)] در این چارچوب مذهبی، مسیحیت هوادار یهودیان، یعنی صهیونیسم مسیحی، به عنوان ارتدادی خطرناک اعلام شده است. در دهه ۸۰ شورای جهانی کلیساها و شورای کلیساهای خاورمیانه، صهیونیسم مسیحی را ارتدادی خطرناک اعلام کردند.[(۹۰)] برخی حتی فراتر رفته و صهیونیسم مسیحی را یک فرقه مذهبی می‌خوانند.[(۹۱)] به لحاظ تاریخی، محکوم کردن جنبش‌های یهودی ـ مسیحی معمول بوده و حتی پس از آنکه کلیسا ویژگی یهودیت خود را از دست داد و برای اشاعه مذهبی جدید جدای از یهودیت خود را آزاد دید، مسیحیان هوادار یهودیان را «یهودی‌شدگان» نامید.[(۹۲)] برای مثال در نخستین شورای جهانی مسیحیان در نیسی[1] در سال ۳۲۵ میلادی، کسی که در عید پاک، عید فصح را جشن می‌گرفت به عنوان مرتد شناخته می‌شد زیرا مقدس‌ترین روزهای مسیحیت را به دلیل همزمانی آن با روز مقدس یهودیان کنار گذاشته بود.

با توجه به این دیدگاه‌های مختلف در مسیحیت، جای تعجب نیست که ببینیم در ایالات متحده

---

1. Nicaea

پروتستان‌ها بیشتر از کاتولیک‌ها به دلایل مذهبی حامی اسرائیل هستند و اینکه اوانجلیک‌های سفیدپوست (حامیان راست مسیحی) بیشتر از بقیه معتقد به پیش‌گویی کتاب مقدس و نشانه‌های ظهور مجدد مسیح می‌باشند. جدول شماره ۱۳ نشان می‌دهد که ۶۳ درصد اوانجلیک‌های ایالات متحده، اسرائیل را نشانه‌ای از پیش‌گویی کتاب مقدس می‌دانند که این نسبت برای کاتولیک‌های سفیدپوست ۲۵ درصد و پروتستان‌های سفیدپوست جریان اصلی ۲۱ درصد است. اگرچه کاتولیک‌ها و پروتستان‌های جریان اصلی بسیاری وجود دارند که حامی اسرائیل هستند، ولی حمایت آنها بیشتر به دلایل عملی و غیرمذهبی نظیر در حال مبارزه بودن اسرائیل با تروریسم، متحد بودن اسرائیل با ایالات متحده و یا حمایت ایالات متحده از اسرائیل به دلیل آزار تاریخی یهودیان می‌باشد.[۹۳] داده‌های نظرسنجی نشان می‌دهد که اختلافات عقیدتی جدی در مسیحیت آمریکایی راجع به مسئله اسرائیل وجود دارد و این اختلاف‌ها می‌توانند پیامدهای سیاسی بسیاری را به خصوص در صورت همخوانی با دودستگی آتلانتیک به همراه داشته باشند.

جدول ۱۳: اسرائیل نشانه‌ای از درستی پیش‌گویی کتاب مقدس در مورد ظهور مجدد مسیح است

گروه	بله	خیر
اوانجلیک‌های سفیدپوست	63	22
کاتولیک‌های سفیدپوست	25	55
پروتستان‌های جریان اصلی	21	58
سکولار	7	76

Source: "Religion and Politics: Contention and Consensus." The Pew Research Center for the People & the Press, 24 July 2003, www.people-press.org.

نتیجه‌گیری

بدون شک ایالات متحده بیشترین حمایت را از اسرائیل در جهان دارد و بیش از هر کشور دیگری برای دفاع از اسرائیل سرمایه‌گذاری مالی و دیپلماتیک کرده و می‌کند. بر مبنای منطق متعارف، ایالات متحده به دلیل وجود یهودیان آمریکا از اسرائیل حمایت می‌کند؛ آرای یهودیان، فشار لابی‌های یهودی و پول یهودیان. به هر حال همان‌طور که در اینجا بحث شد، این ادعا غیرمنطقی و مبالغه‌آمیز می‌باشد. یهودیان به عنوان یک کل به دموکرات‌ها رأی داده و پول خود را به نامزدهای دموکرات می‌دهند. به همین صورت منطق مذکور نمی‌تواند توضیح دهد که چرا جمهوری‌خواهان، رؤسای‌جمهور جمهوری‌خواه، اعضای جمهوری‌خواه کنگره بیش از

دموکرات‌ها از اسرائیل حمایت می‌کنند. واقعیت آن است که در ایالات متحده «یک حزب» در مورد مسئله اسرائیل ـ فلسطین وجود دارد و آن حزبی بزرگ متشکل از جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها، می‌باشد.

منطق فوق همچنین غافل از این مسئله است که تعداد یهودیان ایالات متحده به عنوان عاملی تأثیرگذار بر سیاست و نگرش آمریکا زیاد و به حد کافی نیست. اگرچه تعداد یهودیان ایالات متحده بیش از یهودیان دیگر کشورهاست (از جمله خود اسرائیل)، ولی آنها تنها ۲ تا ۳ درصد جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند.

ایالات متحده به دلیل وجود صهیونیست‌های مسیحی در حزب جمهوری‌خواه، یعنی محافظه‌کاران مسیحی اوانجلیک (البته نه محدود به آنها) و حامیان راست مسیحی که بسیاری از آنها در جنوب هستند و نیز کسانی که اعتقاد دارند کتاب مقدس آنها را ملزم به چنین حمایتی می‌کند، از اسرائیل حمایت می‌کند. با تصدیق نقش صهیونیسم مسیحی می‌توان دلیل آن را فهمید که چرا جمهوری‌خواهان از اسرائیل حمایت می‌کنند و چرا جورج بوش در انتقاد از اسرائیل یا فشار بر این کشور با محدودیت و مشکلات زیادی روبه‌رو است.[۹۴] برای نمونه، سناتور جمهوری‌خواه، ترنت لات، به بوش گفت که «جمهوری‌خواهان برای حمایت از شارون تحت فشار فزاینده‌ای از سوی راست مسیحی هستند»، به خصوص از جانب فالول، رابرتسون، باور و کشیش جان هگی[۱] (سن آنتونیو تگزاس) و از وی خواست تا به «فشار خود بر اسرائیلی‌ها خاتمه دهد».[۹۵]

تردید و عدم انسجام در رهیافت بوش نسبت به مسئله خاورمیانه را نمی‌توان بر اساس وجود یهودیان در آمریکا توضیح داد؛ بوش ریاست‌جمهوری خود را مدیون آنها نیست. رئیس‌جمهور و بسیاری از جمهوری‌خواهان در سراسر ایالات متحده شانس انتخاب شدن خود را مدیون آرای مسیحیان اوانجلیک هستند، کسانی که صهیونیست‌ترین رأی‌دهندگان مذهبی پس از یهودیان می‌باشند. محافظه‌کاران مسیحی و یهودیان آمریکا با یکدیگر نقش قدرتمندی را در افزایش حمایت دو حزب مسلط آمریکا از اسرائیل ایفا می‌کنند.

---

1. John Hagee

پی‌نوشت‌ها

1. Jackson Diehl, "Sharon's path to president's door pays off," The Washington Post, 7 November 2002.

شارون پس از ملاقات خود با جورج بوش در اکتبر ۲۰۰۲ گفت که روابط اسرائیل با ایالات متحده در حال حاضر بهتر از هر زمان دیگری می‌باشد.

2. Michael X. Delli Carpini and Scott Keeter, What Americans Know About Politics and Why ItMatters (New Haven, CT: Yale University Press, 1996).
3. John H. Aldrich, John L. Sullivan, and Eugene Borgida, "Foreign Affairs and Issue Voting: Do Presidential Candidates' Waltz Before a Blind Audience?" American Political Science Review (March 1989): 123-141; John R. Zaller, The Nature and Origins of Mass Opinion (New York: Cambridge University Press, 1992).
4. Thomas A. Dine, "Achievements and Advances in the United States-Israel Relationship," Journal of Palestine Studies (Summer 1987): 95-106; Jon Krosnick and Shibley Telhami, "Public Attitudes Toward Israel: A Study of the Attentive and Issue Publics," International Studies Quarterly (1995): 535-554.
5. Warren Bass, Support Any Friend: Kennedy's Middle East and the Making of the U.S.-Israel Alliance. New York: Oxford University Press, 2003; Noam Chomsky, World Orders Old and New (New York: Columbia University Press, 1996).
6. Robert G. Kaiser, "Bush and Sharon Nearly Identical on Mideast Policy," The Washington Post, February 9, 2003, A01.
7. Richard Curtiss, "The Cost of Israel to the American People," Middle East Affairs Journal 7.3-4 (Summer/Fall 2001): 101-112.
8. Gideon Alon, "PM: 'The day will come when other Israeli astronauts will fly in space'," Haaretz (5 February 2003), www.haaretz.com/hasen/pages/Shart.
9. Nick Wadhams, "U.S. Vetoes Israel Wall Resolution," The Washington Post, October 14, 2003.
10. Kirk Semple, "U.N. Resolution Condemns Barrier," The New York Times, October 22, 2003.

۱۱. برای نمونه یکی از مقام‌های سابق وزارت امورخارجه ایالات متحده عنوان داشته که کنگره ایالات متحده ضدفلسطینی است. وی با اشاره به خشونت شدید میان اسرائیلی‌ها و فلسطینیان در بهار ۲۰۰۲ می‌نویسد، «اکثر اعضای کنگره، فلسطینیان را تنها مسئول خشونت و تروریسم در کرانه باختری، نوار غزه و اسرائیل می‌دانند و خشونت و تروریسم ارتش اسرائیل را نادیده می‌گیرند».

Shirl McArthur, "Letters Show Depth of Anti-Palestinian Sentiment in Congress," The Washington Report on Middle East Affairs (May 2002): 32-34J

12. Paul Findley, They Dare to Speak Out: People and Institutions Confront Israel's Lobby (Chicago: Lawrence Hill Books, 1989); J.J. Goldberg, Jewish Power: Inside the American Jewish Establishment (Reading, MA: Addison-Wesley, 1996); Ghassan Bishara, "Israel's Power in the US Senate," Journal of Palestine Studies 10.1 (Autumn 1980): 58-79; Roger Garaudy, The Founding Myths of the Israeli Policy (Annandale, VA: IPP Printers & Publishers, Inc., and UASR Publishing Group, 1997); Ahmed Yousef and Terry Rauch, Demonizing Islamic Revivalism: The Jewish Lobby's Impact on United States Foreign Policy 11 (March 1997); El-Hajj Mauri Saalakhan, "The War on Terrorism: None Dares Call It Conspiracy," Middle East Affairs Journal 7.3-4 (Summer/Fall 2001): 51-59; Curtiss, "The Cost of Israel to the American People," Middle East Affairs Journal 7.3-4 (Summer/Fall 2001): 101-112; Siraj Islam Mufti, "Structuring of an Equitable US Foreign Policy for the Muslim World," Middle East Affairs Journal 7.3-4 (Summer/Fall 2001): 141-154; Lucille Barnes, "Retiring Sen. Jesse Helms Caved to Pro-Israel Lobby Halfway Through His Career," The Washington Report on Middle East Affairs (March 2002): 34. Anisa Abd el Fattah, "Inter-communal Conflict Resolution Case

Study: Muslim and Jewish Communities in the United States," Middle East Affairs Journal 9.1-2 (Winter/Spring 2003): 211-224; Ekram Haque, "US Power and Media Monopoly," The American Muslim (May 2003): 55-56.

13. Herb Keinon, "Wiesenthal raps EU endorsement of terror," The Jerusalem Post, April 19, 2002; James Bennet, "Sharon Says Europe is Biased in Favor of the Palestinians," The New York Times, January 20, 2003.

۱۴. موارد زیر مثال‌هایی از گزارش و تفاسیر مطبوعات می‌باشد:

Silvia Giralucci, "Italy's Jews alarmed by rise in anti-Semitism," CAW, September 21, 2000; "Israel branded 'racist' by rights forum," CNN, September 2, 2001; "Anti-Israeli protests spread," BBC News, April 7, 2002; Bret Stephens, "The Return of Vichy ism," The Jerusalem Post, April 19, 2002; "Saudi intellectuals say US and Israel are axis of evil," Associated Press, April 21, 2002; "In Europe, All-Too-Familiar Territory," The Washington Post, April 21, 2002; "Jews warn of rising anti-Semitism," BBC News, April 23,2002; "Europe shaken by anti-Jewish attacks," BBC News April 30, 2002; Art N. Teitelbaum, "Jews often alone against anti-Semitism," The Miami Herald, June 19, 2002,13B; "Galloping Anti-Semitism," The Washington Post, November 15,2002, A32; "French Jews leave with no regrets," BBC News, January 23, 2003; James D. Besser, "Backlash Vs. Jews Seen in Iraq War," The (New York) Jewish Week, January 31, 2003; "France tackles school anti-Semitism," BBC News, February 27, 2003; Craig S. Smith, "French Jews Tell of a New and Threatening Wave of Anti-Semitism," The New York Times, March 22, 2003; "French anti-Semitism reports surge," BBC News, March 27, 2003; "Dalyell's 'Jewish cabal' remarks denied," BBC News, May 4, 2003; "Hundreds of graves desecrated," BBC News, May 9, 2003; Rudolph Giuliani, "How Europe Can Stop the Hate," The New York Times, June 18, 2003; "Europe warned on anti-Semitism," BBC News, June 19, 2003; Julian Schvindlerman, "Muslim Conference vs. infidels," The Miami Herald, October 24, 2003, 23A; Mortimer B. Zuckerman, "Graffiti On History's Walls," U.S. News & World Report, November 3, 2003; "German general axed in Jewish row," BBC News, November 4, 2003; "Musician clarifies Jewish remark," BBC News, November 13, 2003; 'Anti-Semitic' MP expelled," BBC News, November 14, 2003; "Rabbi warns of race hate attacks," BBC News, November 17,2003; Natan Sharansky, "On Hating the Jews," The Wall Street Journal, November 17,2003; Editorial, "Terror and Anti-Semitism," National Post-Canada, November 18, 2003; Yitzhak Santis, "Acts of Hatred: The ominous new wave of anti-Semitism," San Francisco Chronicle 23 November 2003; Emanuele Ottolenghi, "Anti-Zionism is anti-semitism," The Guardian, November 29, 2003; Joseph Brean, "Hatred of Jews threatens rule of law, former CIA head warns," National Post-Canada, December 1, 2003; Julie Burchill, "The hate that shames us," The Guardian, December 6, 2003; Craig Horowitz, "The Return of Anti-Semitism," New Yorker, December 15, 2003.

- حتی یهودیان آرژانتین نیز به دلیل افزایش یهودستیزی در حال مهاجرت بـه ایـالات متحـده هـستند. در سـال ۱۹۹۲ بـا انفجار بمبی در سفارت اسرائیل در بوینس آیرس ۲۹ نفر کشته شدند و پس از آن در سال ۱۹۹۴ طی حمله‌ای به مرکز فرهنگی یهودیان در این کشور ۸۷ نفر کشته و زخمی شدند. به گفته یکی از مهـاجران، «واقعیـت آن اسـت که یهودی بودن در آرژانتین بسیار سخت است و نمی‌توانید با شانه‌ای از ستاره داوود در خیابان‌ها قدم بزنیـد. در اینجا [ایالات متحده] یهودیان بسیار مورد احترام هستند».

Andrea Elliott, "A Kind of Promised Land," The Miami Herald, 21 April 2002, 1L, 6L.

15. Mark Strauss, "Antiglobalism's Jewish Problem," Foreign Policy (November-December 2003).

16. Barnaby Mason, "The Rise of the European Right," BBC News, April 22, 2002; Christopher Dickey, "A New Fear Factor," Newsweek, May 6, 2002, 38; "Clare Nullis," "Switzerland: "Far-right party likely to win elections," The Miami Herald, October 19, 2003, 31 A.

17. Elaine Sciolino, "Attacks by Arabs on Jews in France Revive Old Fears," The New York Times,

December 3, 2003; Richard Bernstein, "European Group Takes Wraps Off Study Linking Muslims and Anti-Semitism," The New York Times, December 6, 2003.

18. The Organization of the Islamic Conference, http://www.oic-un.org/abDut/over.htm.

19. "Mahathir attack on Jews condemned," CNN, October 16,2003; Darren Schuettler, "Bush Tells Mahathir His Jew Remarks Are 'Wrong'," Reuters, October 20, 2003; Jeff Jacoby, "Rousing Muslim bigotry," The Boston Globe, October 23,2003; Manfred Gerstenfeld, "The Mahathir Affair: A Case Study in Mainstream Islamic Anti-Semitism," Jerusalem Center for Public Affairs, November 2, 2003.

در واکنش به حملات تند ماهاتیر محمد، سنای ایالات متحده به اتفاق آرا بودجه‌ای ۱/۳ میلیون دلاری را برای آزادی و تساهل مذهبی یهودیان در مالزی اختصاص داد. البته این وظیفه و حق به وزیر امورخارجه داده شد که تشخیص دهد آیا مالزی شرایط کنگره را رعایت کرده است یا نه تا در صورت لزوم بتواند به دلایل امنیت ملی اجرای شرایط کنگره را به حالت تعلیق درآورد.

Helen Dewar, "Senate Votes to Restrict Military Aid to Malaysia," The Washington Post, October 28, 2003, A18 .

مجلس نمایندگان [H.RES.409] و سنا [S.RES.247] همچنین قطعنامه‌هایی را در محکومیت اظهارات ماهاتیر محمد تصویب کردند. قطعنامه مجلس نمایندگان از سوی چهار نماینده و قطعنامه سنا از سوی ۱۹ سناتور برای تصویب ارائه شده بود.

20. Quoted in Gerstenfeld, "The Mahathir Affair: A Case Study in Mainstream Islamic Anti-Semitism," Jerusalem Center for Public Affairs, November 2, 2003.

21. "EU downplays anti-Israel poll," The Jerusalem Post, November 3, 2003.

22. Martin Woolacott, "Now Europeans see Israel as a threat to their existence," The Guardian, November 7,2003.

23. Thomas A. Dine, "The Revolution in U.S.-Israel Relations," Journal of Palestine Studies (Summer 1986): 134-143.

24. "New Poll Shows Evangelical Christians Among Israel's Strongest Supporters," Stand for Israel Press Release (9 October 2002), www.standforisrael.org.

25. Tom W. Smith, "The Religious Right and Anti-Semitism," Review of Religious Research (March 1999).

۲۶. قصام بشاره این حمایت دو حزبی از اسرائیل در کنگره را بیش از دو دهه قبل عنوان داشته بود. وی گفته بود که «حمایت از اسرائیل در کنگره بی‌چون و چرا صورت می‌گیرد. از نظر اکثر اعضای کنگره، اسرائیل هیچ اشتباهی نمی‌کند». به علاوه وی با توجه به این سطح حمایتی بیان داشته بود که این مسئله می‌تواند قدرت رئیس‌جمهور را در این زمینه محدود سازد. نگاه کنید به

"Israel's Power in the US Senate." Journal of Palestine Studies 10.1 (1980): 60.

۲۷. در رابطه با صهیونیست‌های مسیحی نگاه کنید به:

Eyal Naveh, "Unconventional 'Christian Zionist': The Theologian Reinhold Niebuhr and His Attitude Toward the Jewish National Movement," Studies in Zionism (1990): 183-196; Phyllis Bennis and Khaled Mansour, "Praise God and Pass the Ammunition!': The Changing Nature of Israel's US Backers," Middle East Report (Fall 1998): 16-18, 43; Grace Halsell, Forcing God's Hand (Beltsville, MD: Amana Publications, 1999); D. Jason Berggren, "Obstacles to an Alliance: Muslims and the Christian Right," Middle East Affairs Journal (Winter/Spring 2003): 87-122;

28. Tony Smith, Foreign Attachments: The Power of Ethnic Groups in the Making of American Foreign Policy (Cambridge, MA: Harvard University Press, 2000), 122.
29. Thomas R. Dye, Top Down Policymaking (New York: Chatham House Publishers, 2001), 90.
30. L, Sandy Maisel and Ira N. Forman, ed., Jews in American Politics (Lanham, MD: Rowman & Littlefield Publishers, 2001); Kurt F. Stone, The Congressional Minyan: The Jews of Capitol Hill (KTAV Publishing House, 2000).

۳۱. نگاه کنید به مطالعه‌ای موردی در سال ۱۹۸۱ در زمینه فروش هواپیماهای آواکس به عربستان سعودی

Richard F. Fenno, Jr., "Observation, Context, and Sequence in the Study of Politics," American Political Science Review (March 1986): 3-15.

32. M.A. Muqtedar Khan, American Muslims: Bridging Faith and Freedom (Beltsville, MD: Amana Publications, 2002), 53-54.
33. Jeffrey M. Jones, "Americans' Views of Israel More Positive Than Last Year: Sympathy with Israel highest since Persian Gulf War," The Gallup Organization (19 February 2003), http://www.gallup.com/poll/releases/pr030219.asp.
34. Jeffrey M. Jones, "Americans Still Favor Neutral U.S. Position in Middle East Conflict." The Gallop Organization (6 May 2002), http://www.gallup.com/poll/releases/pr020506.asp.
35. David W. Moore, "Americans Skeptical Either Side in Palestinian-Israeli Conflict Wants Peace," The Gallup Organization (11 June 2002), http://www.gallup.com/poll/releases/pr020611 .asp.
36. Jeffrey M. Jones, "Nearly Half of Americans Favor Independent Palestinian State," The Gallup Organization (3 June 2002), http://www.gallup.com/poll/releases/pr020603.asp.
37. David W. Moore, "Protestant Tilt Toward Israel Partially Explained by Biblical Connection," The Gallup Organization (29 April 2002), http://www.gallup.com/poll/releases/pr020429.asp.
38. Frank Newport, "Questions and Answers About the Middle East," The Gallup Organization (28 May 2003), http://www.gallup.com/content/default.asp?ci=8512.
39. Simon Sarkar, "British Public Divided Over Middle East Conflict." The Gallup Organization. (14 May 2002), http://www.gallup.coiTi/poll/tb/goverPubli/20020514b.asp.
40. Ted Barrett, "Lawmaker under fire for saying Jews support Iraq war," CNN (11 March 2003), http://www.cnn.com/2003/ALLPOLITICS/03/ll/moran.iews/index.html.
41. Alan Cooperman, "Jewish Organizations Worried About Backlash for Iraq War," The Washington Post, March 15, 2003, A10; Mark Thompson, "Inside the Secret War Council," Time, August 26, 2002, 36-37; Richard H. Curtiss, "On Behalf of Israel, Washington's War Party Hopes to Divide and Conquer Oil," The Washington Report on Middle East Affairs (June/July 2002): 17; Romesh Ratnesar, "Paul Wolfowitz: Bush's Brainest Hawk," Time, January 27, 2003, 28-29; Joe Klein, "How Israel is Wrapped Up in Iraq," Time, February 10, 2003, 27; Imad-ad-Dean Ahmad, "The Role of Neoconservatives in Shaping U.S. Policy," The American Muslim (May 2003): 16-17; Mohamed Khodr, "Iraq: Gone with the Wind of Lies and Bombs," The American Muslim (May 2003): 30-32.
42. Thomas E. Ricks, "Wolfowitz's War," St. Petersburg Times, December 28,2003, 1. 6P.

۴۳. جالب‌تر اینکه برخی اعضای یهودی که پول زیادی را از کمیته اقدام سیاسی حامی اسرائیل دریافت کرده‌اند در طی این دوره علیه جنگ رأی دادند. سناتور کارل لوین[1] و برادرش سندر لوین[2] رأی مخالف دادند. اگرچه هر دو

---

1. Carl Levin
2. Sander Levin

جزء ده دریافت‌کننده اول پول از کمیته اقدام سیاسی حامی اسرائیل بودند. از دیگر سناتورها می‌توان بنجامین کردین[۱]، باربارا باکسر[۲] و جرالد ندلر[۳] را نام برد. در این رابطه نگاه کنید به:

The 2002 "Hall of Shame" list in The Washington Report on Middle East Affairs (March 2002): 20, and the 2002 "top ten" list for both the House and Senate in The Washington Report on Middle East Affairs (November 2002): 26.

44. Louis Fisher, "The Way We Go to War: The Iraq Resolution," in Considering the Bush Presidency, ed. Gary L. Gregg II and Mark J. Rozell (New York: Oxford University Press, 2004), 107-124. See also Gary C. Jacobson and Samuel Kernell, The Logic of American Politics in Wartime: Lessons from the Bush Administration (Washington, DC: Congressional Quarterly Press, 2004), 11.

۴۵. سناتور باب گراهام یکی از نمایندگان دموکرات جنوبی بود که علیه قطعنامه جنگ رأی داد. به هر حال نباید گراهام را «صلح‌طلب» دانست. وی قویاً به جنگی تهاجمی در مقابل تروریسم اعتقاد دارد، ولی متقاعد نشده بود که عراق از تروریسم حمایت می‌کند. سناتور گراهام خواهان اعطای اختیارات به رئیس‌جمهور برای جنگ علیه گروه‌های تروریستی خاورمیانه در لبنان، سوریه، یمن و اراضی فلسطینی بود، یعنی «سازمان ابونذال، حماس، جنبش مقاومت اسلامی، جهاد اسلامی فلسطین و جبهه آزادی‌بخش فلسطین و حزب‌الله». خلاصه آنکه، گراهام خواهان گسترش جنگ فراتر از کشور پیشنهادی بوش بود، جنگی که در آن از ضربات موشکی علیه پایگاه‌های موجود در لبنان و سوریه استفاده شود. نگاه کنید به:

"Graham: Wage war against all terrorist groups," The Miami Herald, October 13, 2002,1L, 5L; Tyler Bridges, "Graham: U.S. should act if Syria fails to oust terrorists," The Miami Herald, April 16, 2003, 17A."

46. Margaret Carlson, "The I-Love-George Contest," Time, December 2, 2002,45.

47. Lydia Saad, "Great Britain: An Ally Apart from the Rest," The Gallup Organization, (31 January 2003), http://www.gallup,com/poll/releases/pr030131 .asp.

48. Ellen Hale, "Israelis view Iraq as lesser threat," USA Today (17 March 2003), 5A.

49. John C. Green, Lyman A. Kellstedt, Corwin E. Smidt, and James L. Guth, "The Soul of the South: Religion and the New Electoral Order," in The New Politics of the Old South, ed. Charles Bullock III and Mark J. Rozell (Lanham, MD: Rowman & Littlefield Publishers, 1998), 261-276; John Shelton Reed, My Tears Spoiled My Aim and Other Reflections on Southern Culture (San Diego, CA: Harcourt Brace and Company, 1993), 36-37.

50. D. Jason Berggren, "The Religious Right Matters!" Religion Matters! (July 2000): 1-2.

51. Berggren, "Belfast-Style Politics in the Republican Party," Religion Matters! (July 2000): 3, 12.

52. Berggren, "McCain's Attacks on the Religious Right Hurt Him in Big 3 of Super Tuesday," Religion Matters! July 2000): 1, 15.

53. Steven Thomma, "Christian conservatives strive for revival as political force," The Miami Herald (13 October 002), 32A.

54. "Christian Coalition's Road to Victory Conference Draw over 15,000 supporters," Christian Coalition Media Advisory, (15 October 2002), www.cc.org.

55. John F. Persinos, "Has the Christian Right Taken Over the Republican Party?" Campaigns & Elections (September 1994): 21-24; Clyde Wilcox, Onward Christian Soldiers? The Religious Right in American Politics (Boulder, CO: Westview Press, 2000), 77.

---

1. Benjamin Cardin
2. Barbara Boxer
3. Jerrold Nadler

56. Dye, 89-90.
57. Ibid.
58. Quoted in James Zogby, "Understanding America's Right Wing: Part Two." (June 4, 2002).
59. Matthew C. Moen, The Transformation of the Christian Right (Tuscaloosa, AL: The University of Alabama Press, 1992), p. 61.
60. "Gary Bauer's Remarks at the Republican Jewish Coalition's Republican Presidential Candidates Forum," December 1,1999,
http://vmw.richq.orgfoauershortspeech.html.
61. James J. Zogby, "Current U.S. Attitudes Toward Arab Countries and the Israeli-Palestinian Conflict," (December 28, 2000), http://www.zogbv.com/news. In the poll, 1,012 U.S. voters were surveyed from December 18-21, and the margin of error was +/- 3.2%.
۶۲. در این نظرسنجی ۵۷۴ اسرائیلی شرکت داشتند و حاشیه خطا نیز ۴/۵-/+ درصد بود.
(Mark Levine, "Sharon: No talks until Arafat acts to halt violence," South Florida Sun-Sentinel, August 9, 2001, 14(A).)
63. Tim Whitmire, "Billy Graham's son remaking ministry in activist mold," The Miami Herald, December 8, 2002, 16A; Elisabeth Bumiller, "Antiwar Clerics Wonder if Bush Hears Their Call," The New York Times (10 March 2003), http://www.nvtimes.com/2003/03/10/national/10LETr html: James D. Davis, "Congregations, clergy divided over Iraq war," South Florida Sun-Sentinel, 30 March 2003, 24A.
به هر حال باید عنوان داشت که انجمن ملی اوانجلیک‌ها هرچند جنگ اول خلیج‌فارس را مورد تأیید قرار داده بود، ولی از اتخاذ موضعی در مورد جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ خودداری کرد. حتی چند تن از رهبران برجسته اوانجلیک از جمله تونی کمپولو،[1] ران سایدر[2] و جیم والیس[3] بیانیه‌ای ضد جنگ را به امضا رساندند.
64. Sara Diamond, Spiritual Warfare: The Politics of the Christian Right (Boston, MA: South End Press, 1989), 200.
65. Ibid.
66. Richard John Neuhaus, "What the Fundamentalists Want," in Piety and Politics: Evangelicals and Fundamentalists Confront the World ed. Richard John Neuhaus and Michael Cromartie (Washington, DC: Ethics and Public Policy Center, 1987), p. 15.
67. Hubert Morken, Pat Robertson: Where He Stands (Old Tappan, NJ: Fleming H. Revell Company, 1988), p. 155.
68. Elliot Abrams, Faith or Fear: How Jews Can Survive in a Christian America (New York: The Free Press, 1997), p. 67.
69. Jerry Falwell, Listen, America! (New York: Bantam Books, 1980), p. 98.
70. Jerry Falwell, "An Agenda for the 1980s," in Piety and Politics: Evangelicals and Fundamentalists Confront the World, ed. Richard John Neuhaus and Michael Cromartie (Washington, DC: Ethics and Public Policy Center, 1987), p. 114; Robert Zwier, Born-Again Politics: The New Christian Right in America (Downers Grove, IL: InterVarsity Press, 1982), p. 48.
71. Joan Lowy, "U.S. Evangelical Christians among most ardent Israel backers," Scripps Howard News Service, 1998,
http://archive.nandotimes.com/nt/special/israel24.html.
72. Merrill Simon, Jerry Falwell and the Jews (Middle Village, NY: Jonathan David Publishers, Inc., 1984), p. 64.
73. Falwell, 98.

---

1. Tony Campolo
2. Ron Sider
3. Jim Wallis

74. William Martin, "The Christian Right and American Foreign Policy," Foreign Policy (Spring 1999), pp. 72-73.
75. Michael Lienesch, Redeeming America: Piety and Politics in the New Christian Right (Chapel Hill, NC: The University of North Carolina Press, 1993), p. 230.
76. Pat Robertson, Answers to 200 of Life's Most Probing Questions (Nashville, TN: Thomas Nelson Publishers, 1984), p. 152. The scriptural verse Robertson was citing is Luke 21:24.
77. Falwell, 97.
78. Romesh Ratnesar, "The right's new crusade: Lobbying for Israel," Time, April 29, 2002.
79. Regina Sharif, "Christians for Zion, 1600-1919," Journal of Palestine Studies 5.3/4 (Spring-Summer 1976), 123- 141.
80. See David A. Rausch, Fundamentalist-Evangelicals and Anti-Semitism (Valley Forge, PA: Trinity Press International, 1993), 31-38.
81. Paul C. Merkley, The Politics of Christian Zionism, 1891-1948 (Portland, OR: Frank Cass Publishers, 1998), 60.
82. Ibid., 89.
83. Howard M. Sachar, The Course of Modern Jewish History: The Classic History of the Jewish People, From the Eighteenth Century to the Present Day (New York: Vintage Books, 1990), 315-317.
84. William G. McLoughlin, The American Evangelicals, 1800-1900 (New York: Harper & Row Publishers, 1968), 1.
85. Merkley, 92.
86. Ibid., 100-102.
87. Ibid., 102.
88. O. Kelly Ingram, "Christian Zionism." The Link 16.4 (November 1983): 1. See also Rosemary Ruether, Faith and Fratricide: The Theological Roots of Anti-Semitism (New York: The Seabury Press, 1979); Dennis Prager and Joseph Telushkin, "Christian Antisemitism," in Why the Jews? The Reason for Antisemitism (New York: Simon & Schuster, Inc., 1983), 90-109; Richard L. Rubenstein and John K. Roth, Approaches to Auschwitz: The Holocaust and Its Legacy (Atlanta: John Knox Press, 1987), 35-65; William Nicholls, Christian Antisemitism: A History of Hate (Northvale, NJ: Jason Aronson, Inc., 1993).
89. Paul Charles Merkley, Christian Attitudes Towards the State of Israel (Montreal: McGill-Queen's University Press, 2001), 194.
90. Ibid., 46,184-186.
91. Ibid., 192.
92. See David Christie-Murray, "The Judaizers," in A History of Heresy (New York: Oxford University Press, 1989); Henry Chadwick, The Early Church (New York: Penguin Books, 1967), 21.
93. David W. Moore, "Protestant Tilt Toward Israel Partially Explained by Biblical Connection," The Gallup Organization (29 April 2002), http://www.gallup.com/poll/releases/pr020429.asp.
94. Abraham McLaughlin and Gail Russell Chaddock, "Christian right steps in on Mideast," The Christian Science Monitor, April 16, 2002; "Meet the new Zionists," The Guardian , October 28, 2002; Jim Vandehei, "Bush Meets Resistance on Mideast Plan," The Washington Post, April 4,2003, A18.
95. Ratnesar, "The right's new crusade: Lobbying for Israel," Time, April 29, 2002.

فهرست محصولات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی تهران

کتاب‌های مرجع

عناوین کتاب	سال انتشار
راهنمای مراکز مطالعاتی جهان ـ جلد دوم (مراکز منطقه‌ای)	۸۴
جهانی شدن سیاست (۱) و (۲)	۸۴
دانشنامه نخبگان (۱)	۸۳
راهنمای منطقه خزر	۸۳
راهنمای منطقه و کشورهای حوزه خلیج‌فارس	۸۳
راهنمای مراکز مطالعاتی جهان جلد اول (مراکز مطالعات استراتژیک، بین‌المللی، سیاست و روابط خارجی و علوم سیاسی)	۸۲
راهنمای سازمان‌های غیردولتی	۸۱

کتاب‌های برآورد استراتژیک

عناوین کتاب	سال انتشار
آشنایی با کشورهای اسلامی (ترکیـه)	۸۴
آشنایی با کشورهای اسلامی (مالزی)	۸۴
آشنایی با کشورهای اسلامی عربی (مصر)	۸۴
برآورد استراتژیک آمریکا (سرزمینی ـ سیاسی)	۸۲
براورد استراتژیک آذربایجان (سرزمینی، سیاسی، فرهنگی)	۸۲
برآورد استراتژیک پاکستان	۸۲
برآورد استراتژیک ژاپن	۸۲
برآورد استراتژیک مصر	۸۱

کتاب‌های تخصصی

عناوین کتاب	سال انتشار
روابط ایران و انگلستان (جلد اول)	۸۴
آلمان: منافع جمهوری اسلامی ایران	۸۴
سیاست خارجی روسیه	۸۴
چالش‌های هویت در آمریکا	۸۴
مصائب امپراتوری (امپریالیسم نظامی آمریکا در قرن ۲۱)	۸۴
حقوق و امنیت در فضای سایبر	۸۴
امنیت بین‌الملل ۲ (فرصت‌ها، تهدیدات و چالش‌های فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران)	۸۴
تنها ابرقدرت (هژمونی آمریکا در قرن ۲۱)	۸۳
جنگ نرم ۱ (ویژه جنگ رایانه‌ای)	۸۳
جنگ نرم ۲ (ویژه جنگ رسانه‌ای)	۸۳
سازمان‌های امنیتی در کشورهای مدل (انگلستان ـ فرانسه، ایتالیا و کانادا)	۸۳
دموکراسی، قانون، امنیت (بررسی سرویس‌های اطلاعاتی در غرب)	۸۳
پرونده هسته‌ای ایران (روندها و نظرها)	۸۳
سنجش قدرت ملی در عصر فراصنعتی	۸۳

عناوین کتاب	سال انتشار
طرح خاورمیانه بزرگتر (القاعده و قاعده در راهبرد امنیت ملی آمریکا)	۸۳
آشنایی با معاهده گسترش سلاح هسته‌ای و پروتکل	۸۳
روزهای سرنوشت‌ساز المان (تاریخ معاصر آلمان ۱۹۸۹ تا ۱۹۱۴)	۸۳
تظاهرات ضد جنگ	۸۳
دعاوی ایران (بررسی کمک و حمایت‌های غرب به‌ویژه آمریکا از صدام حسین در جنگ تحمیلی)	۸۳
امنیت بین‌الملل ۱ (فرصت‌ها، تهدیدات و چالش‌های فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران)	۸۳
نظریه‌های امنیت ۱ (مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی)	۸۳
حاکمیت قدرت	۸۳
رژیم‌های بین‌المللی	۸۳
مناقشه قره‌باغ آرمان‌ها و واقعیت‌ها	۸۳
روابط ایران و امریکا (بررسی دیدگاه نخبگان آمریکایی)	۸۲
گسل‌های منازعه	۸۲
سیاست خارجی آمریکا در آسیا	۸۲
مسائل ایران و عراق	۸۲
استراتژی در جهان معاصر (مقدمه‌ای بر مطالعات استراتژیک)	۸۲
استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن ۲۱	۸۲
عملیات آژاکس (بررسی اسناد CIA درباره کودتای ۲۸ مرداد)	۸۲
جنگ آمریکا و عراق	۸۱
دیپلماسی آمریکا در قرن ۲۱	۸۱
کتاب کشمیر	۸۰
اصلاحات در چین و شوروی	۸۰

کتاب‌های منطقه‌ای

عناوین کتاب	سال انتشار
کشورهای مستقل مشترک‌المنافع ۲ (ویژه ملاحظات سیاست خارجی و امنیتی روسیه)	۸۴
کتاب خاورمیانه ۲ (ویژه حضور اسرائیل در مناطق هم‌جوار ایران)	۸۴
کتاب آسیا ۳ (ویژه افغانستان پس از طالبان)	۸۴
کتاب امریکا ۶ (ویژه دکترین امنیت ملی بوش در خاورمیانه)	۸۴
کتاب اروپا ۵ (اتحادیه اروپا)	۸۴
کتاب امریکا ۴ (ویژه نومحافظه‌کاران)	۸۳

و ثبات)	

عناوین کتاب	سال انتشار
کتاب امریکا ۵ (ویژه نظام انتخاباتی آمریکا)	۸۳
کتاب اروپا ۳ (ویژه روابط ایران و اتحادیه اروپا)	۸۳
کتاب اروپا ۴ (ویژه روابط اروپا و آمریکا)	۸۳
کتاب اسیا ۲ (ویژه بحران‌های آسیا)	۸۳
کشورهای مستقل مشترک‌المنافع ۱ (ویژه مسائل امنیتی CIS)	۸۳
کتاب خاورمیانه ۱ (ویژه مسائل و چالش‌های خاورمیانه)	۸۳
کتاب اسیا ۱ (ویژه مسائل امنیتی شرق آسیا)	۸۲
کتاب افریقا (ویژه منازعات مسلحانه)	۸۲
کتاب امریکا ۱ (ویژه دکترین امنیت ملی بوش در خاورمیانه)	۸۲
کتاب امریکا ۲ (ویژه سیاست‌های امنیتی ایالات‌متحده در عراق)	۸۲
کتاب امریکا ۳ (ویژه روابط آمریکا ـ اسرائیل)	۸۲
کتاب اروپا ۱ (اتحادیه اروپا)	۸۲
کتاب اروپا ۲ (ویژه روابط ایران و اتحادیه اروپا)	۸۲

گزیده پژوهش‌های جهان

عناوین کتاب	سال انتشار
گزیده پژوهش‌های جهان ۵ (جهانی شدن و ماهیت جنگ ـ پشت پرده: روابط اسرائیل و پاکستان ـ تحول دکترین نظامی روسیه ـ اتحادیه اروپا و بحران در خاورمیانه)	۸۲
گزیده پژوهش‌های جهان ۴ (مبارزه با تروریزم ـ بازسازی عراق ـ منازعات هسته‌ای قرن ۲۱ ـ امنیت ملی روسیه ـ امنیت پس از ۱۱ سپتامبر و ....)	۸۲
گزیده پژوهش‌های جهان ۳ (تحول مفاهیم امنیت ملی در قرن ۲۱ ـ پارادوکس قدرت آمریکا ـ چارچوبی برای تدوین استراتژی ـ مشارکت فرار ـ آینده امنیت منطقه فرا خزر)	۸۱
گزیده پژوهش‌های جهان ۲ (ساختار امنیتی آینده در خاورمیانه ـ سلاح‌های هسته‌ای در قرن ۲۱ ـ پیامدهای امنیتی خیزش چین در آسیا ـ سیاست در ۵۰ سال آینده ـ برآورد استراتژیک اوراسیای مرکزی)	۸۱
گزیده پژوهش‌های جهان ۱ (سنجش قدرت ملی در عصر فراصنعتی ـ دریای خزر ـ انقلاب اطلاعاتی در ابعاد جهانی ـ خشونت سیاسی	۸۱

گزیده تحولات

عناوین کتاب	سال انتشار
گزیده تحولات ۲۵ تا ۳۶	۸۳-۸۴
گزیده تحولات ۱۳ تا ۲۴	۸۲-۸۳
گزیده تحولات ۱ تا ۱۲	۸۰-۸۱

کتاب‌های ایران‌ریویو

عناوین کتاب	سال انتشار
ایران‌ریویو ۳	۸۳
ایران‌ریویو ۲	۸۲
ایران‌ریویو ۱	۸۲

بولتن‌های ویژه

عناوین بولتن ویژه	سال انتشار
روابط هند و پاکستان ـ ایالات‌متحده: گام‌های بعدی	۸۴
گفت‌وگوی استراتژیک آمریکا و هندوستان	۸۴
ثبات سیاسی در کشورهای عربی: معضلات اقتصادی	۸۴
جابه‌جایی شن‌ها: پایان همکاری ایالات‌متحدهٔ امریکا ـ عربستان سعودی	۸۴
روابط ایران ـ ایالات‌متحده: تحلیلی بر سیاست‌ها، قوانین و مقررات	۸۴
روابط بین‌الملل در اسیای مرکزی ـ شرقی؛ چالش‌های ژئوپلیتیک و چشم‌انداز همکاری‌های سیاسی	۸۴
فهم تصوف و نقش بالقوه ان در سیاست خارجی آمریکا	۸۴
ایالات متحده، ایران و روابط فراآتلانتیک؛ به سوی بحران؟	۸۴
محافظت از تسلیحات و مواد هسته‌ای	۸۳
دروازه ترکیه (ترانزیت انرژی و مسائل امنیتی)	۸۳
پیامدهای جهانی دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای	۸۳
اسرائیل و موشک ضد موشک آرو	۸۳
عملگرایی در اوضاع سیاسی ایران	۸۳
روابط هسته‌ای ایران و روسیه و گزینه‌های سیاسی آمریکا	۸۳
بازگشت یهودستیزی	۸۳
ایران و ایالات متحده: معمای هسته‌ای	۸۳
نگاهی تحلیلی به روابط هند و اسرائیل	۸۳
بمب اتمی ایران: دیدگاه‌های ایران و آمریکا	۸۳
روابط ایران و ایالات متحده از دیدگاه شورای روابط خارجی آمریکا	۸۳
تحولات سیاسی و امنیتی اسرائیل	۸۳
نگاهی تحلیلی بر تحریم‌های ایالات متحده علیه سوریه	۸۳

آینده اروپا: پنج سناریو	۸۳
نگاهی تحلیلی به اعطای وضعیت تحت‌الحفظ از سوی آمریکا به اعضای گروهک رجوی	۸۳

عناوین بولتن ویژه	سال انتشار
خلاصه اجرایی گزارش کمیسیون ۱۱ سپتامبر	۸۳
نگاهی تحلیلی به مهم‌ترین مصوبات کنگره امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران	۸۳
شکل گیری ولکان‌ها (تاریخچه کابینه جنگ بوش)	۸۳
ایران هسته‌ای: پیامدهای منطقه‌ای	۸۳
معضلات امنیت منطقه‌ای خاورمیانه: به‌دنبال راه‌حل	۸۳
گفتگوهایی درباره عراق	۸۳
پایان دادن به شرارت	۸۳
افکار عمومی آمریکا و سیاست خارجی در سال ۲۰۰۴	۸۳
ادبیات کاخ سفید ۵ (بررسی اظهارات دولتمردان ایالات متحده در مرداد و شهریور ۱۳۸۳)	۸۳
ادبیات کاخ سفید ۴ (بررسی اظهارات دولتمردان ایالات متحده در خرداد و تیر ۱۳۸۳)	۸۳
ادبیات کاخ سفید ۳ (بررسی اظهارات دولتمردان ایالات متحده در شش ماهه دوم سال ۸۲)	۸۳
ادبیات کاخ سفید ۲ (بررسی اظهارات دولتمردان ایالات متحده در فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۳)	۸۳
ادبیات کاخ سفید ۱ (بررسی اظهارات دولتمردان ایالات متحده در شش ماهه نخست سال ۱۳۸۲)	۸۲
سیاست خارجی دولت جدید ایالات متحده (نحوه تأثیر نتایج انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده بر ژئوپلیتیک و ادراکات جهانی)	۸۳
اروپا و طرح خاورمیانه بزرگ‌تر امریکا: مسائلی اساسی برای گفت‌وگو	۸۳
پشت صحنه یک رابطه جنجال‌امیز: ایالات متحده و ایران	۸۳
دیدگاه‌های مردم عراق درباره اشغال این کشور و آینده آن	۸۳
راهنمای مراکز ایران‌شناسی	۸۲
گزینه‌های پیش‌رو: سیاست ایالات متحده در برابر برنامه هسته‌ای ایران	۸۲
کنترل سلاح‌های کشتار جمعی (یافته‌های ۱۱ پروژه پژوهشی)	۸۲
افکار عمومی اسرائیل در خصوص امنیت ملی (۲۰۰۳)	۸۲
نگاهی به تحولات جهان (شش ماهه نخست سال ۱۳۸۲)	۸۲
هشت نظرسنجی از افکار عمومی امریکا و اتحادیه اروپا در خصوص عملکرد بوش، جنگ عراق و موجودیت اسرائیل	۸۲
نگرش مردم آمریکا نسبت به دولت فدرال	۸۲
گزارش کنفرانس: معضلات امنیت منطقه‌ای خاورمیانه: به دنبال راه‌حل	۸۲
حوادث اخیر ایران در آینه وبلاگ‌ها	۸۲

اینده ایران: حکومت روحانیون، دموکراسی و جنگ بر ضد تروریسم	۸۲

پژوهش و تحقیق

عناوین کتاب	سال انتشار
نگاهی به پژوهش‌های مؤسسات تحقیقاتی (سیاست و روابط خارجی، مسائل منطقه‌ای، امنیتی و استراتژیک)	۸۴
تروریسم در پرتو تکوین نظام حقوقی بین‌المللی: خاستگاه مبهم سیاسی، استلزامات حقوقی کیفری	۸۴
بررسی وضعیت مرز ایران و افغانستان	۸۳
نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه اثار حقوقی ساخت دیوار در سرزمین اشغالی فلسطین	۸۳
قانون و امنیت در کشورهای مدل	۸۳
نقش شیعیان در فرایند دولت‌سازی عراق نوین و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران	۸۳